

خطاب و هشدار به تمام توده‌های آگاه خلق، به تمام خانواده‌های شهدا، به تمام نیروهای دمکرات و انقلابی و به تمام نیروهای مارکسیست - لنینیست!

درباره دستگیری تقی شهرام

و هدفیابی که میوه چینان انقلاب در این رابطه دنبال می‌کنند
تقی شهرام که بود؟ چرا از بخش منشعب سازمان مجاهدین خلق ایران اخراج شد؟ ...
و امروز چه کسانی صلاحیت و حق قضاوت در مورد او را دارند؟



دوشنبه هجدهم تیرماه ۱۳۵۸ - بیجا ۱۰: ریال

ادامه در صفحه ۴

عفو جنایتکاران و خیانت پیشه‌گان نیروهای مسلح ضربه به منافع خلقهاست

... شناسد و از آنها شکایت کنند؟ در حالیکه پیروده‌های این حیانت‌سنگان و جنایتکاران درگاه و صدوفیای دولت و همدستان وی است، در حالیکه در همین چندماه اخیر تلاش شده که نه فقط خلق بلکه جوانان مسلح و انقلابی که در کمپنه‌های مختلف فعالیت می‌کنند، برمه‌داد این پیروده‌ها آگاه‌هی نیابند.

با اعلام رسمی این عفو، نظامیان و افراد جانیکار و خائنکار نیروهای انقلابی به مراد خود می‌رسند، و در عوض این عناصر انقلابی و آگاه در ارتش هستند که تحت فشار هر چه سخت‌تری قرار خواهند گرفت. پس از اسامی معایب اطاعت از یک امیر و مافوق خائنکار که به باورگان سرگشته‌است و مخالفت با وی، معنای مخالفت با دستور رهبری تلقی می‌شود، و این انقلابیون ارتش هستند که باید بجزایان نرسند. تراج شونده و با دروازه‌های شبه صحرایی محاکمه‌شده و برای دفاع از خود در اس‌ها دادگاه‌ها تنها چندروز پس از دستگیری از دست‌ها رفته، همان‌طور که برای شکایت از نظامیان و پلیس‌های جناح‌دار چندروز وقت گذاشته‌اند، این تفاوت‌ها ولی برای محازات است و دومی برای عفو است.

دنبال ملاقات دولت با آیت‌الله خمینی، یک سری از هدف‌های دولت موقت که قبلاً بنا حدی با مخالفت امام مواجه بود، صورت تحقق بخود گرفت. یکی از اس هدفیابی که دولت بازرگان همیشه برای رسیدن به آن تلاش کرده است عفو عمومی برای نظامیان و نیروهای انقلابی (پلیس و...) است. چندروز پیش اعلام شد که شکایات سر علیه نظامیان و افراد نیروهای انقلابی تنها تا روز ۱۹ سپهر (سه‌شنبه) قابل بررسی است و پس از آن هرگونه شکایتی در این مورد، پذیرفته نخواهد شد!

با اس عمل سرمایه داری حاکم که ار همان روز اول در پی فایع کردن خون دهها هزار شهید بود، بصورتی آشکار چهره خود را نشان داد. و اس جدای از همان بازاری ارتش و پلیس با همان ساخت گذشته و بازاری ساواک نیست. در واقع برای او که نمیخواهد تغییر در ساختار این ارگان‌های مسلح ایجاد کند، و در پی سرکوب زحمتکشان و خلق‌ها است چه بسیاری از نظامیان و افراد پلیس خاش و جنایتکار و چه نظامیان و افراد پلیس مطیع و فرمانبردار، هر دو لازمند، تا با او بسایستد.

ردت را ائتلاف
در طرح سازمان واحد و تناقضات موجود در آن
انتقاد بطرح همکاری - مبارزه آید نولوژیک
طرح پیشنهادی ما

کنفرانس وحدت را نباید بعنوان یک تشکل سیاسی تلقی نمود چون دارای مواضع مشخص سیاسی آید نولوژیک نیست.

مادرشماره‌های فصل، صن برچورد اسفادی به دید- گاه‌های مختلف درباره وحدت‌حمس‌کوموسی، موضوع خود را در سال دندگاه "اقتلاط"، ارتباط ارگانیک، و "وحدت" روس نموده دنبال آن در رابطه با دندگاه "وحدت"، طرح سازمان واحد را ارائه دادیم. اسک می - کوسم در ادامه مطالب فعلی، اسناد به بررسی و نقد طرح سازمان واحد پرداخته و سن با اسفاد اس‌س‌ر طرح‌های الیفاطی، طرح و سرمایه، مورد نظر خودمان را درباره پیرومه سخن وحدت‌حمس‌کوموسی ارائه دهیم.

دودیدگاه

تاکنون حول مسئله "وحدت جنبش کوموسی، مواضع و نظرات مختلفی ارائه داده شده است. اگر بخواهیم سبک جمع‌بندی از مجموعه مطالب و نظراتی که تاکنون مطرح شده اس‌س‌ریم، سطر ما دودیدگاه اس‌س‌ر کاملاً در مقابل همدیگر قرار دارند، مواجه مستقیم.

نظرات و طرح‌های که حسب‌ه‌های اس‌س‌ر دودیدگاه را دربردارد، صن اس‌س‌ر جهت اصلی اس‌س‌ر متوجه یکی از اس‌س‌ر دودیدگاه می‌باشد، التقاطی بوده و س‌ی می‌کنند اس‌س‌ر دو دندگاه را با هم آس‌ی بدهند. اس‌س‌ر دودیدگاه س‌نظرما، یکی دندگاه "وحدت" و دیگری "اقتلاط" می‌باشد. ما در نوسه‌های قبلی خود در مورد دندگاه "اقتلاط" و اتحاد سیاسی و همچنین دیدگاه التقاطی "رابطه ارگانیک" که اجباراً بطرح "اقتلاط" می‌رسد، برچورد نمودیم و اس‌س‌ر ادات آنها را روشن کردیم. ما در اس‌س‌ر نوسه نوضح دادیم که دندگاه "اقتلاط" و یا اتحاد سیاسی نه تنها جنبش کوموسی را بوحس‌س‌ت نخواهد رساند، بلکه برعکس از آنجا که به تفرقه و گروه‌گرائی میدان میدهد، جنبش کوموسی را از وحدت دور خواهد نمود. ما همچنین گفتیم که دیدگاه "اقتلاط" و اتحاد سیاسی، از آنجهت که نه برآنچه ما باندیس‌بند، بلکه با آنچه موجود است نظر دارد، و س‌س‌س‌م در مقابل آن فرود می‌آورد، دید گاهی اکوموسی، دساله روانه و سازشکارانه است و به نفس عصر آگاه و مبارزه آید نولوژیک عملاً س‌ها نمیدهد.

در مقابل دیدگاه فوق، ما روی دیدگاه "وحدت" تکیه کرده و وحدت‌نروها س‌را که در ارتباط با طبقه بوده و دارای وحدت آید نولوژیک - سیاسی - سازمانی اس‌س‌ر، مجاز و اصولی و لازم داشته و در همین رابطه طرح "سازمان واحد" را ارائه دادیم. طرح "سازمان واحد" از طرف ما اس‌س‌ر بنانه شکل گرفته که هیچگونه فرمول دیگری جز وحدت آید نولوژیک - سیاسی - سازمانی صحیح نبوده و در همین اس‌س‌ر تکیه اصلی را بر روی مبارزه آید نولوژیک س‌ها به همین س‌س‌ر ابزار تحقق وحدت‌گداردم. از آنجا که ما س‌عدا متوجه نناس - قضاتی در طرح "سازمان واحد" شدیم، در زیر س‌ی می‌کنیم س‌قبه در صفحه ۲

**محمد رضا سعادت‌ی،
محمد جواد خاتمی،
شیر معیل و ناصر حیاتی را
آزاد کنید!**

ما زهم به نتیجه‌ای نرسیدیم و خلاصه در ۱۸ فروردین به حالت اعتراض که "مگر خواست‌تان، کار، ممکن، س‌ها شدت یک خواست ضد انقلابی است؟" به س‌هاستان - داری حرکت کردیم و خلاصه برای بار دوم افراد کمیته ما یک مشت فرزندان بازاریها با شعار "کارگر، برزگر اسلام حامی توست" به ما حمله کردند و همراه با همین شعار رگبار مسلسل س‌ها کارگران را شکافت که به شهادت یک کارگر س‌نام ناصر توفیق‌یان و زخمی شدن س‌غیه در صفحه آخر

یکبار دیگر مبارزات کارگران بیکار اصفهان سرکوب گردید!

دادخواست به پیشگاه کلیه کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی ایران
نامه کارگران تأسیساتی و ساختمانی پرورهای اصفهان و حومه
بیروزی رسید، وجود وعده‌های فراوانی س‌مدادم که انقلاب پیرو شده و دیگر آزاد هستیم، انقلاب کسبه پیروز شده و ما با ساعت‌های کار کمتر و وضعیت زندگی بهتر روبرو خواهیم بود. انقلاب که پیروز شد خاندان مشغولیم. عیب ندارد فرش زیر بایمان را می‌فروشیم و اعصاب را ادامه می‌دهیم. بچه‌های ما نرا به خیابان می‌فرستیم که مسلسل‌ها س‌ها س‌س‌ر را س‌وراخ کند تا انقلاب پیروز گردد. انقلاب پیروز شد اما کسی به درد و حال ما نرسید، نکماه طول کشید، دوماه و سه ماه گذشت خبری نشد. به اس س‌تیج رسیدیم که متل اینکه ما هم با س‌تی خودمان دست بکار شویم. گفتیم الحمدلله دیگر رژیم طاغوت نیست و دیگر زنداسی، شکنجه، تیراندازی، نهمت، ستم و استعمار... نیست. در محلی که س‌نام خانه کارگر اصفهان است جمع شدیم نماینده انتخاب کردیم که به بیستی مقامات مس‌س‌ول رفتند و آنها حوابی به درد ما ندادند و بالاخره ورع فروردین ما کارگران بیکار اصفهان بطرف اداره کار رفتیم. در حین راهیما س‌تی و جلوی در اداره کار چیزهایی که انتظار س‌را نداشتیم از قبیل کتک و نهمت و فحاشی در هم ریختن صف کارگران دیدیم. به س‌تجه ای نرسیدیم و باز دوباره در خانه کارگر جمع شدیم و به جمع آوری پیرونده ادامه دادیم و پیش خود فکر کردیم که چرا به ما می‌گویند "ضد انقلابی"، "صبر کن" و غیره. بالاخره دوباره با کوشش فراوانی که ما کارگران و نمایندگان ما کردند از طریق رفتن به اداره کار، استان داری، منزل ظاهری رئیس کمیته‌های اصفهان،

حمله به کتابفروشی‌ها و آتش زدن کتابها (در بروجرد و خرم‌آباد)

در بروجرد، دنبال سخترانی فلسفی (اوایل همنه گذشته) و تحریک مردم بر علیه نیروهای مترقی و چپ: ار مردم اسلام دوست س‌رورج س‌عدا س‌که به کوموسی‌ها اجازه رشد و فعالیت ندهند" (نقل معنی از سخترانی فلسفی). نیروهای نا آگاه و متعصب شروع به جلوگیری از فعالیت نیروها در مریخش و فروش کتاب می‌کنند و با مزاحمت و پاره کردن یک مقاله، بزرگ شده بوسله بک کتابفروشی س‌س‌ر کار خود را شروع می‌کنند. چندروز بعد (چهارشنبه ۲۱/۱۳) با قرار قبلی جلوی جلوی کتابی کاخ (خیابان شهدا) جمع می‌شوند و با شعارهایی برفد کوموسی‌ها و نیروهای چپ شروع براهیما می‌کنند و در مسیر با پاره کردن نشریه آهنگر (دریسا ط یکی از روزنامه‌های مروشان شهر) آغاز حمله می‌کنند و بعد از آن، قصد رفتن و حمله کردن به کتابفروشیها، از جمله کتابفروشی "گورکی" را داشتند که با دخالت نیروهای مذهبی مترقی ار این کار منصرف می‌شوند. همین‌طور در پی این راهیما س‌تی، به یک روزنامه فروس حمله کرده و روزنامه‌های آینه‌نگار و آهنگر را پاره می‌کنند. در ادامه راه شیشه‌های کتابفروشی "نیما" (خیابان صدق) را شکس و س‌عد به کتابفروشی "نیما" (خیابان بهرنگ) حمله کرده و س‌ا شل و کتابها را در وسط خیابان با س‌تی می‌کنند و س‌ا آنها، بخصوص جلوتکابفروشیها "امشب هشدار، مردا شب کشتار" بوده است. مطلب قابل س‌قبه در صفحه آخر

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

ادامه از صفحه اول

ضمن روشن کردن دیدگاهمان از چگونگی تحقق وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد حزب و نقش عوامل مختلف در آن، انتقاد و تناقض موجود در طرح "سازمان واحد" را هم بیان کنیم. در این رابطه ما به نقش مبارزه ایدئولوژیک، تئوری انقلابی، پیوند و سرانیک انقلابی، در تحقق وحدت جنبش کمونیستی و حزب اشاره میکنیم و برای شروع بحث، از حزب کمونیست حرکت میکنیم. حزب محصول تلقیب آگاهیه سوسیالیستی است. جنبش خودبخودی طبقه کارگر است. اگر حزب را همان تجمیع تشکیلاتی وحدت جنبش کمونیستی بشمار آوریم، معنی تعریف فوق این میشود که وحدت جنبش کمونیستی بطور کلی محصول تلقیب آگاهی سوسیالیستی با جنبش طبقه کارگر است. به این معنی که وحدت جنبش کمونیستی از طریق بردن تئوری، برنامه و سیاست سرولتری بدون جنبش طبقه و بسیج و تشکل سازمانی حداقل، بخشی از طبقه، (فشر بشرو آن) حول ایس تئوری حاصل میشود. و باز صورت دقیقتر معنی فوق این میشود که پیروهای جنبش کمونیستی (کل جنبش کمونیستی) که در وجود سازمانها، گروهها، محافل و عناصر و کارگران بشرو کمونیست تیلور پیدا میکنند، حول برنامه و سیاست برولتری - که الزاما باید از طریق مبارزه ایدئولوژیک و در جریان پراستیک انقلابی و "پیوند" (پی) با طبقه کارگر، استحکام یابد و همانیت خویش را نشان دهد - به وحدت میرسند...

به این ترتیب در این بروسه، مفاهیم "پیوند"، مبارزه ایدئولوژیک و تئوری انقلابی، هر یک جایگاه و نقش خویش را روشن میکنند. در این تعریف روشنی میشود که تحقق وحدت جنبش کمونیستی مجرد از برنامه و سیاست و مبنی برولتری حرفی معنایی است. روشن میشود که تئوری انقلابی و برنامه و سیاست برولتری فقط در جریان مبارزه طبقاتی، پراستیک انقلابی در میان طبقه و بسیج حداقل بخشی از طبقه، استحکام مییابد، محک میخورد و میتواند نیروهای اصیل جنبش کمونیستی را بدون خود منمکرر نماید. همچنین روش میشود که تئوریهای انحرافی، سیاست و مبنی غیر برولتری، زمانیکه هنوز پیوند برقرار نشده، زمانیکه هنوز مبارزه ایدئولوژیک بر زمین پراستیک انقلابی در میان طبقه، صورت نگرفته، همواره و بیش از هر زمان دیگر در درون جنبش کمونیستی امکان تسلط داشته و میتواند بخشی از نیروهای جنبش کمونیستی را منحرف نماید.

زمانی میگوئیم وحدت جنبش کمونیستی تحقق پیدا نموده است که حربانهای سالم و واقعا کمونیستی موجود در تشکلات کمونیستی و کلبه نیروهای اصل کمونیستی، به گرد یک تئوری انقلابی (برنامه، سیاست و مبنی برولتری) به وحدت رسیده باشند، و این وحدت زمانی تحقق مییابد که تئوری انقلابی، در جریان پراستیک و پیوند با طبقه و بعد از گذر از مبارزه ایدئولوژیک حقانیت خویش را نشان داده و پلاریزاسیون نیروها را به سر مییابی طیفانی - معرفتی (هم جنبه های طبقاتی و هم جنبه های معرفتی) و با سفا طبقاتی، بلکه عموما جنبه طبقاتی صورت داده باشد.

اما اینکه در این بروسه برای تحقق وحدت عملی چه باید کرد و چه نباید کرد، خود این دیدگاه پاسیح میدهد. هر قدری که در جهت ارائه تئوری انقلابی باشد، باید برداشت و هر قدری که به نحوی نخواهد آنرا تحت الشعاع قرار دهد و به خرده کاری وادارد، نباید برداشت. هر کار "متحدهای" که عملا در مقابل مبارزه ایدئولوژیک قرار گیرد، نباید کرد و هر قدری که در جهت و برای آست، باید برداشت. از همین دیدگاهست که طرح اختلاف به عنوان برنامه وحدت جنبش کمونیستی از آنجا که دقیقا در مقابل مبارزه ایدئولوژیک قرار میگیرد و عمیقا دنبالهروانه و سارشار - انه اسارد میشود. از همین دیدگاه است که مساره ایدئولوژیک به مثابه تنها و مهمترین ابزار تحقق وحدت جنبش کمونیستی بر مبنی از کار فعال در درون طبقه و توده ها، برای دستیابی و تدوین هم جانبیه و تحکیم تئوری انقلابی مورد تاکید قرار میگیرد. از همین دیدگاه است که وحدت ۲ یا چند گروه را بشرط وحدت

حرفا در این نوشته واژه "پیوند" می آید، منظور همان ارتباط ارگانیک است که با معنی ارتباط با طبقه که محور نه مرحله "پیوند" نرسده است، اختلاف دارد.

سیاسی - ایدئولوژیک - تشکیلاتی، نه تنها نباید موقوف به پیوند نمود، بلکه برعکس باید آنرا به عنوان اقدام اصولی و لازمی که در خدمت پیوند قرار گرفته، محصول مقطبی از مبارزه ایدئولوژیک، در بروسه تحقق وحدت جنبش کمونیستی دانست. (پی) و بالاخره از این دیدگاه هر نوع "همکاری" که نیروهای (م.ل) را در پوشش مبارزه با خرده کاری به خرده کاری وادارد و بدین از آن بر تضادها سرپوش گذاشته و به نوعی سبب یفا و تحکیم هوست مستقل گروهها شود، مردود است و برعکس هر نوع همکاری که در جهت سازمان دادن مبارزه ایدئولوژیک باشد اصولی و لازم است. هم اکنون قبل از اینکه انتقادمان را نسبت به طرح "همکاری - مبارزه ایدئولوژیک" که برای وحدت جنبش کمونیستی ابزار میشود بیان کنیم، انتقادی که بر "سازمان واحد" داریم مطرح میکنیم.

ما گفیم که طرح سازمان واحد از طرف ما بر پایه نعی تزه ای، ائتلاف و اتحادیه... شکل گرفت و برایس نظارت داشت که هیچگونه فرمول دیگری جز وحدت ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی درست نبوده و بر همین اساس تکیه اصلی را بر روی مبارزه ایدئولوژیک، به مثابه مهمترس ابزار تحقق وحدت گذاشتیم. ما علیرغم این دیدگاه طرحی ارائه دادیم که دارای تناقض مشخصی است. این تناقض عبارت از اینست که ما در حالیکه در چشم انداز وحدت نیروهای (م.ل)، با نحوه سه گرایشات مختلف در سطح جنبش کمونیستی ۲ یا چند قطب میدبیم، نام این مراکز را سازمان واحد نهاده و آن را به عنوان طرح و برنامه خودسرای رسیدن به وحدت جنبش کمونیستی مورد توجه قرار دادیم. نعی در حالی که می پذیریم در حریان مبارزه ایدئولوژیک و در ارتباط با طبقه کارگر، در سطح جنبش کمونیستی ۲ یا چند قطب میتواند وجود آید و هر کدام از این قطبها همچنان در درون جنبش کمونیستی قرار دارند، "سازمان واحد" را که دیگر واحد بودن سی معنی میدهد، هدف قرار میدادیم. تناقض دیگر در این بود که در عین حال این سازمان واحد در صورت تحقق پیوند می توانست مفهوم حزب را خود بگیرد، نعی اینکه عملا در اینجا سازمان واحد که پیوند برقرار نکرده است با سازمان واحدی که پیوند برقرار کرده است (حزب) هر دو هدف گیری سازمان واحد دنبال میشود و سبب خدشه دار کردن معنی و مفهوم حزب میشود. در واقع خارج از این توانست باشد، یا این "سازمان واحد" تجمیع وحدت جنبش کمونیستی بوده و در این صورت الزاما دارای ارتباطات

مبارزه ایدئولوژیک مهمترین ابزار تحقق وحدت جنبش کمونیستی بر مبنی از کار فعال در درون طبقه و توده هاست.

ارگانیک با طبقه کارگر خواهد بود، که اس همان حرب است و با اس سازمان واحد بیانگر وحدت جنبش کمونیستی نبوده و نواشته است با طبقه کارگر پیوند (بمفهوم حزب) حاصل نماید، و با تکیه این پیوند با سایر قطب های موجود در سطح جنبش کمونیستی مرز بندی قاطع بنماید، که در اس صورت دیگر نمیتوان بر آن سازمان واحد اطلاع کرد. در چنین حالتی اس سازمان سه حرب کمونیست بلکه سازمانی متشکل تر و گسترده تر از تمامی سازمانهای کنونی (م.ل) میتواند باشد.

(پی) - در اینجا نیکه ای را توضیح دهیم. در اسطاطار "پیوند" میباید وجود داشته باشد. اسطاطار اس اساس حرکت میکند که خون حقیقی وحدت جنبش کمونیستی، سرانجام در حریان پیوند حاصل میگردد. سازمانی نباید سرورها وحدت کسب و ناسد اندازنده های عینی اس وحدت را فراهم آورند. اس اسطاطار به نظر ما نادرست است. کوشش برای وحدت سرور - های (م.ل) ای که دارای وحدت سیاسی - ایدئولوژیک - تشکیلاتی ناسد، موقوف به هیچ بس بر طری میسود. امر "وحدت" نیروها تا امر "پیوند" به هیچ وجه در مقابل هم قرار نمیگیرد و به عنوان دو وظیفه در طول مطرح نمیشود. بلکه دو وظیفه همگام و هم عرضد که سر تعمق و بسریع همدگر تا سر می گذارند. آن نتیجه ای که در انتهای بروسه حاصل میسود - تحقق وحدت کسب جنبش کمونیستی که الزاما در حریان "پیوند" حاصل شده است - به هیچ وجه مجرد از برنامه کوشش برای وحدت و انتر متقابل "وحدت" ها و "ارتباط" های حاصل شده در هر مقطع از بروسه وحدت جنبش کمونیستی نیست و برعکس، حسن کوششهایی است که هم به امر "وحدت" و هم به امر "پیوند" کمک میکند و آنرا تحقق می بخشد.

معنی یک هدف مشخص، تحت عنوان سازمان واحد و دادن هویت مشخصی به آن در یک مقطع از این بروسه (بروسه وحدت جنبش کمونیستی) صرف نظر از آنکه دیگر مفهوم سازمان واحد را نمیتواند بخود بگیرد، این اشکال را نیز به وجود می آورد که مشخصات و مختصات آن نسبت به حزب کمونیست که همان سازمان واحد جنبش کمونیستی باشد ناروشن باقی میماند. به این ترتیب مادر عیب حال که همچنان وحدت ۲ یا چند گروه را موقوف به ارتباط ارگانیک با طبقه و با موقوف به داشتن پایه کارگری نمیدانیم و وحدت آنها را بشرط وحدت ایدئولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی اصولی و لازم میدانیم و در روند حقیقی وحدت جنبش کمونیستی سر روی

در پاره

این وحدت، ما به عنوان محصول مقطبی مبارزه ایدئولوژیک تکیه میکنیم، ولی مشخص کردن هدفی تحت عنوان "سازمان واحد" را در مقطبی از این بروسه از آنجه که مفهوم حرب (سازمان واحد جنبش کمونیستی) را حد شده دار مسوده و اس تصور نادرست را به وجود می آورد که گویا اساسا جربا تا میباید ارتباط سیاسی - تشکیلاتی در میان طبقه کارگر و گذاشتن تئوریها و برنامه های سیاسی، بیرون آرمانی و مساره طبقه ای، کل نیروهای (م.ل) و کل جنبش کمونیستی مسواشد حول سازمان واحدی به وحدت برسند، نادرست میدانیم. به اس ترتیب ما در عین حال که طرح "سازمان واحد" را بدلیل با هم اکنون نادرست میدانیم، اما آن استفاده ای که در درجه قبول ائتلاف و با اتحادیه و با "ارتباط ارگانیک" به اس طرح میشود، در عین حال که جنبه های منحصا درستی در اس استفاده نرفته است و اشکالات و تناقضات سازمان واحد را نشان میدهد و ما هم از آن نا شکر پذیریم، لیکن همه اس استفاده را از آنجا که از دیدگاه ائتلاف به دیدگاه (وحدت - مبارزه) اسرار مشود نادرست میدانیم.

اما متشاه این تناقض در طرح سازمان واحد از طرف ما، در چه بود؟ تگرش اولیه ما نسبت به سازمان واحد بر این نظرات داشت که در ضمن کوشش و مبارزه با ظاهر وحدت، اختلافات روین شده، انحرافات در جریان مبارزه ایدئولوژیک پس زده خواهد شد و گروهیها و سازمانها و محافل (م.ل) حول برنامه و سیاست برولتری که در جریان همین مبارزه ایدئولوژیک حاصل خواهد شد، به وحدت خواهند رسید.

اس تگرش اولیه علیرغم شمای نسبتا درست آن، از آنجا که عملا "طرح" نه وحدت کل جنبش کمونیستی بلکه بخشی از آنرا هدف قرار میدهد و با تلویحا بخشی از آنرا در پوشش تمام جنبش کمونیستی مطرح می نماید و دارای اس استنباط است که این سازمان واحد، مظهر، کلید و با نطفه وحدت جنبش کمونیستی است، جنبه سکتاریستی به طرح میداد. بعدا نیز در طرح ارائه شده در سکار، اگرچه ما ۲ یا چند قطب را مطرح نمودیم و گفتیم که "حتی الممدور در مجموعه نسرود هائی از جنبش کمونیستی" (و به تمام نیروهای جنبش کمونیستی)، ولی باز هم به دلیل اینکه بهرحال ما هم "محوری" و "کلید" و با نطفه رادرسر داشت نقش اطلاق واژه "سازمان واحد" رگه سکتاریستی خویش را همچنان حفظ کرد و اینکه اس طرح، کنفرانس را هم بعد از مبارزه ایدئولوژیک حول اساسی سرین موارد اندو - لوژیک و استراتژی و خط مئی کمونیستی در قیبال جنبش کارگری دموکراتیک، خاتمه یافته تلقی نمسود. در همین رابطه قابل توضیح است طرح عملی ما که نسبت به تگرش اولیه مقلوه چند قطب را مطرح کرد و سازمان واحد را دچار تناقض نمود، مسلطا باید دیگر قالب "سازمان واحد" را می تکیس و هدف را همان حزب که سازمان واحد جنبش کمونیستی باشد قرار میداد.

انتقاد بطرح همکاری - مبارزه ایدئولوژیک

در اینجا به نطفه نظری سرخورد میکنیم که علیرغم آنکه ظاهرا اختلاف را در می کند ولی در برنامه و طرح خود برای رسیدن به وحدت کسب سر می همکارهایی ای احاده ای و سایرینا به را که میخواهد اس سگونی نیاز های جنبش کارگری و مبارزات فدائیمیلیتاریستی توده های مردم بوده و هدف "رسدن به ساختن و مرز بندیها در زمینه سکتار و تشکلات (کمینه سرد) و با غلبه بر ضعفهای جنبش کمونیستی میباشد در دستور قرار میدهد و در واقع حقیقی وحدت جنبش کمونیستی را الزاما از طریق این سر می همکارها دانسته و موقوف به آن میکند. ما انتقاد اب مربوط

به طرح اختلاف را قلا در نوشته‌های خود آوردیم هم - اکنون طرح اختلاف پس از یک دوره مبارزه ایدئولوژیک بصورت آشکار افشا شده است و گویا کمتر کسی طرفدار آشکار آن باشد اینست که مادر اینها نه بروسه - " همکاری - مبارزه ایدئولوژیک " که جلوه نهان همان ایده اختلاف است میردازیم . بنظر ما اس طرح چه در پوشش رسدن به شناخت ها و مرزبندیها در زمینه های سبک کار و تشکیلات عرضه شود و چه بخاطر غلبه برضعف ها عقب ماندگیهای جنبش کمونیستی در زمینه شورسک و ارضاط با طبقه مطرح شود در نهایت بازم همان دند - گاه اختلاف را دنبال میکند که بصورت التقاتلی درپوشش های مختلف زینت داده شده است . باید پرسید چرا اختلاف

وحدت

یک طرح انحرافی برای رسیدن به وحدت است برای اینکه بجای مبارزه با اسحرافات با آنها سازش مینماید . برای اینکه بجای کوشش برای تغشیر وضع موجود در مقابل آن سهرمی اندازد ، برای اینکه فرقه گرای و گروه - گرای را در دامن میزند و توجیه تشکیلاتی برای آن فراهم میکند ، برای اینکه نیروها را به خرده کاری انداخته و از توجه بسمت اصلی که همان اسجاد حزب باشد منحرف میکند .

برای اینکه با تحمیل فرم بر مضمون نامعلوم دچار فرمالسم میشود ، برای اینکه با نامین حداقل وحدت مواضع سیاسی - ایدئولوژیک! و در واقع بدون روسن شدن مواضع سیاسی - ایدئولوژیک نیروها و مرزهای اس افتراق و استراک آنها برنامهای را برپایه های نامعلوم میرسد که حتما و ضرورتا در حران عمل فرورمیرد و برای اینکه ...

بسیار خوب هم اکنون ما میرسیم اس همکاریها که باید با برنامه و نقشه مند صورت گیرد و بنظر مدافعن اس نظر لازم ضرورت پیشبرد امر وحدت نیز هست ، بر کدام نایه مشترک ایدئولوژیک - سیاسی صورت می گیرد و این پایه های مشترک در چه بروسه ای از مبارزه ایدئولوژیک حاصل شده است؟ چگونه میتوان با جسمان بسته برنامه همکاریهای وسیعی را ریخت که در درون آن اجبارا مرزهای اختلاف را بخودش نیندودهمان سازشکاری موجود در طرح اختلاف را بیار نیارد . مسئله اینست که سازشکاری ، انجام و برپاشی در بطن جنبش فورمولهای سی بوده و ذاتی است . آیا زمانیکه حول برنامه و سیاست مشخص مبارزه ایدئولوژیک صورت نگرفته تا مشخص شود اساسا نقاط افتراق چیست و نقاط اشراک کدام است ؟ چگونه میتوان همکاریها را بر اساس مواضع مشترک؟! که بدوا فقط یک تصور صوری و مبهم مساوند از آن باشد پی ریزی کرد؟ آیا اس همان فرمالسم و تحمیل فرم بر مضمون مبهم و نامشخص نیست که نه تنها کمکی به پیشبردکار ما نمیکند بلکه گروهها را از همان فعالیت هائی که مستقلا به میتوانند بکنند با زداشته و فعالیت آنان را دچار اختلال و برپاشی می کند . آیا اس همکاریها که باید با برنامه صورت گیرد عملا مبارزه ایدئولوژیک را تحاشع قرار نداده و اذهسان را نسبت به ما هبت اختلافات متوب نمی کنند؟ آیا عملا اس همکاریها و در واقع خرده کاریها نیروی فراوانی را که باید در درجه اول در خدمت روشن نمودن برنامه و سیاست پیرولتزی و مبارزه ایدئولوژیک ، قرار گیرد بخودمشغول نمی کند و آیا اس همکاریها اتحادیه ای همچنان به شکل های مختلف جنبش کمونیستی رسمیت نداده و بنوعی آنها را تثبیت نمی کند؟ با اس ترتیب تمام آن اسراداتی که به طرح اختلاف وارد شود ، در اس طرح هم وجود دارد و اختلاف اس دو طرح سعی طرح اختلاف که مشکل رسمی گفته میشود اس طرح همکاری ، مبارزه اند - شولوژیک " فقط یک اختلاف کمی ولفظی میتواند باشد (۳)

از نظری که همکاری را برای غلبه برضعفهای جنبش در زمینه تشنت و مفر شورسک سیاسی و ضعف ارضاط با طبقه کارگر لازم می شمارد و بروسه تحفی وحدت جنبش کمونیستی را الزما از طریق چهارچوب همکاری و اتحاد وسیع می بیند ، باید پرسید اس همکاریها برچه پایه سیاسی - ایدئولوژیک باید صورت گیرد؟ مگر فرص بران نیست که هنوز مبارزه ایدئولوژیک براسطی ترسن مواضع صورت نگرفته اس و مرزها هنوز دمعا روشن نگشته است ؟ بنا بر اس چگونه و برمینای حه معمارهائی اس فعالیتها میتواند هماهنگ گردد؟ چگونه میتوان اس فعالیتها را هماهنگ و هم کاسه نمود درحالیکه مرزها را مخدوش نماند؟ درعین اسنکه دامنه فعالیت گروهها را کاهتن ندهد؟ در عین اسنکه اختلال ونا همگونی درفعالیت خارجی گروهها بوجود نیارد؟ آیا ضوابط کنفرانس میخواهد با اس " اتحاد " فرارگیرد؟ باید گفت صرفنظر از آنکه اس ضوابط رهج بروسه از مبارزه ایدئولوژیک حاصل نشده اس و بدوا درک صوری وحدت گروهها را نسبت بهم متواتر نشان دهد ، آنچه معانی مشخص اس ضوابط کلی را نشان خواهد داد ، نظر گاه های گروهها دربرنامه ، سیاست و مئی آنان درتقسال جنبش کارگری و دمکراتیک ، درارائه شعارها یا تاکتیک و ... چونگی برخورد گروهها نسبت سواضع گذشته و پیش خواهد بود و قبل از آن مسلمان اس ضوابط جنبه کلی دارد ، که نمیتواند مبانی وحدت و یا اختلاف ایدئولوژیک سیاسی اس گروهها را که میخواهد اس " اتحاد " بران شکل گیرد نشان دهد . ما فکر میکنیم دامنه همکاریها مشترک اگر خواهد رچهارچوبی که دردرجه اول درجهت سازمان دادن مبارزه ایدئولوژیک و سپس برخی همکاریهای مشخص و موضعی اسد ، فراشرد ، از آن کاسه اس همکاریها برپایه حکم مواضع سیاسی - ایدئولوژیک منسک بنا شده اس ، نه تنها نمیتواند به ضعف مربوطه و ارتباط با طبقه کمک نماید ، بلکه حنی همان فعالیت هائی را که گروهها مستقلا قبل از حصول به وحدت میتوانند در اس جهت بنمایند ، دچار اختلال و برپاشی می کند .

مسئله اساسی اس است که کنفرانس را بنامدعتوان بک شکل سیاسی تلقی نموداگر قبول اسنکه کنفرانس اسندا ، دارای مواضع ایدئولوژیک - سیاسی مشخصی نیست (منظور دیدگاه های آن نیست) ، نمیتواند هما نندسک اتحادیه و جبهه دارای رهبری و مرکز تصمیم گیر شود هوبت سیاسی مشخصی بخودبگیرد ، بنا بر اس چگونه میتواند یک همکاری اتحادیه ای را بیس بنهد و با همها تناقض در عمل مواجه نشوداگر چهارچوب همکاریها مشخصا تفویق را نداشته باشد که دیگر املا جنبه اساسی و ضروری اس

دیدگاه اختلاف و اتحاد سیاسی نه تنها جنبش کمونیستی را بوحدهت نمیرساند بلکه به تفرقه و گروه گرایی میدان میدهد .

وحدت نداشته و آنرا باید در کادر همان همکاریهای موضعی (هر چند در زمینه های مختلف گسترش یابد) دید .

و اما کمته نبرد ، مسئله دومی را در طرح مسئله اسجاد حزب به شرح زیر مطرح میکند :
" ... اساح . بررسی و عس سواض سرولگری اسنکه اسها در بروسه کار و معالت مسرک - برای اسحگویی به سارهای حسس کارگری و مارابامد - امبرالی سوده های مردم سدسی آمد و در عرصه مبارزاتی اسنکه مرسدی اس اورووسمی در سبک کار و سوه پرورس کموسیتی کارگران ممکن خواهد گسست . در اسنجا میبینیم که اس همکاریها با هدف روشن کردن مرزهای مبارزه ایدئولوژیک در سبک کار و مواضع تشکیلاتی جنبه فرسبنده ای بخودش میگرد . اولاسا اسد برسد بجه دلیل ساخت متقابل گروهها الزما از طریق همکاری می مشرک - که اجبارا به تکی که مطرح نمود همان اسده اختلاف را دنبال میکند - تا اس میتودونتها از طریق اس همکاری مشترک اسب که مرزهای آنها در سبک کار و مواضع تشکیلاتی روشن خواهد شد ؟ سچه دلیل بخاطر شناخت متقابل و روشن کردن مرزها ، جنبش کمونیستی را در گیر طرحی نشا شم که همکاری را جر - لابتجرا و اسناب نایدیدر وحدت تلقی می نماید . مگر راهها وشوه های گوناگون و مختلفی وجودندارد که گویا ها از هدسگر شناخت بسدت آوردن و مرزهای اسود را روشن کنند ؟ ما سوال میکنیم مگر روشن شدن اختلاف شما متلا با رفقای فدائی و حنی روشن شدن اختلاف شما با عفو دسگر همین کنفرانس بر سر دیدگاه های وحدت و ... مستلزم بک دوره همکاری بوده اس ؟ مگر براسنک گذشته و مواضع ایدئولوژیک سیاسی - سازمانی هرگروه چونگی بخود آنها را نسبت به مواضع اسنقادا گذشته اس و سربر خورده های اس گروه در جریان مبارزه ایدئولوژیک

جنبش کمونیستی و انقلابی و رسده های دیگر نظیر برخورد با علب و موجودست و هوبت گروه برخورد با اشعاب نظرات و مواضع تشکیلاتی و احابا برخورد با اشعاب احتمالی از گروه و ... وجود ندارد ؟ که لازم باشد حتما بک دوره همکاری بخاطر ساح و مرزها ندارک دیده شود ؟ نه چه دلیل شما پراکت گذشته و پراکت اسال گروهها و سارمابها را ملاک قرار میدید و الزما پراکت مسرک را لایحه حقی وحدت مسمار س . بصوص با هدمی که ما برای آن در نظر گرفته اس ، سعی مرسدی در سبک کار ، آتصدر ناسد فعالیت گروهها در فضای بر اسام - از نظر ناروشنی پایه های ایدئو - لوژیک - سیاسی اس همکاری در هم آمرد و محلسط اسود که در اس صورت صرفنظر از تمام اسنکالات کسلا دگرشده مجموعه فعالیتها را دچار سردرگمی ، اغشاس و اسهام خواهد نمود . ما فکر میکنیم در بطن اسس نظر بک درک نادرس در مبارزه ایدئولوژیک سفته اسد . اس درکار مبارزه ایدئولوژیک ، مبارزه ایدئولوژیک را حول پراکت اسطالی گروه اس سازمان و وظایف برنامه هائی که اسان در ماس طبقه کارگرونده هاباده میکنند ، در نظر مسگرد و مبارزه ایدئولوژیک را جدا از مسائل طبقه و جدا از کوشش برای حل اس مسائل صری میکنند . در همین رابطه هم احابا به مبارزه اند - شولوژیک به چشم بک مسلمک روسفکرانه نگاه میکنند . اگر ما اسد سبواسه مبارزه ایدئولوژیک برانسیک فعال گروه در ماس طبقه و برنامه و سارهاشک در اس رابطه مطرح میشود ، ناسد آری ما هم حسسن مبارزه ایدئولوژیک را حرافی روسفکرانه میداسیم و در اس صورت هم گره کار را ناسد از نبود برانسیک منسک گرفت و بر اس ماسا مبارزه ایدئولوژیک نمود ، و للاحره مگر در بحرسه خود اس کنفرانس اسامل همکاری اتحادیه ای در عیسین همس مرزها که ناکون حاصل شده اس ، نفسی داشته اس ؟ آیا اگر اس کنفرانس وارد در سبنته های مختلف مسایل سیاسی و ایدئولوژیک در جهت دسماپی به نشوری انقلابی شود ، سارهم بنظر ساطی اس دوره گروهها از هدسگر ناساس خواهند ماسد و نخواهد شوانست مرزهای ایدئولوژیک سیاسی - سازمانی خودشان را روشن کنند تخریب چهار ماهه اس کنفرانس عسبرغم اسنکه فقط ناکون مبارزه ایدئولوژیک بر سر دیدگاه اتحادیه وجودت بوده اس ، خلاصا اس ناسد میکند . ساراس طرح بک بروسه همکاری برای شناخت متفاسل گروهها و روشن کردن مرزها که در بطن خود اسحراف از خط اصلی کار ، دنباله روی ، سارسکاری ، خرده کاری ، برپاشی و اسلال در فعالیت های گروهها ، به دلیل ناروشنی پایه های سیاسی ایدئولوژیک که اس همکاری ساری می آورد ، طرحی اسب که همان کراس اختلاف را دسالم میکند و انحرافی اس .

ساراس اس طرح ما سبنا و مهمترس اسراری که باید در بروسه وحدت حسب کموسیتی روی آن تکیه نمود ، مبارزه ایدئولوژیک اسب . بروسه (همکاری - مبارزه ایدئولوژیک) در نهایت همان اختلاف اس و اختلاف کبکی با آن ندارد ، که همکاری را حرنی - انتم حزه لازم - بروسه وحدت مسمار آورد . ما در نالا همکاری اتحادیه ای را رد مسودسیم و اس به معنی رد همکاری بطور کلی نیست . همکاری امر خوبی اسب و مساوند به امر وحدت کمک نیز نکند ، اما مهم اینست که اس همکاریها در خدمت وحدت و نه در مقابل آن باشد و ناسا ناسد به عنوان شرط ضرور برای وحدت تلقی گردد . ماسس همکاری بطور کلی و " اختلاف " با " اسناد " فری قابل هسسم ، ما اختلاف و اسناد را آن نوع همکاری سازمان یافته ای میداسیم که براسنک برنامه و زمینه مشخصی واحد و در یک چهارچوب و نظام با هم و رهبری مشرک صورت میگرد . ما در سراط معنی آن برنامه همکاری ای که به عنوان بک طرح تشکیلاتی برای جسس کمونیستی مطرح شده و دارای برنامه سیاسی مشخص رهبری ، چهارچوب و نظام ماسه منسک میتا شد ، به عنوان بک طرح اتحادیه ای و اختلافی رد میکنیم و اس هرگز به معنی اسن نیست که در اسن یا آن موضع مشخص ، همکاری رد بشود . اس همکاریها به نظر ما در دوزمنته مساوند و باید صورت گیرد . در درجه اول اس همکاری در جهت سازمان دادن مبارزه ایدئولوژیک و ندارک تشکیلاتی آن اس . کنفرانس و نشره شورسک آن که اساسا منعکس کسده مبارزه ایدئولوژیک در کنفرانس اس میتواند جنبش نقشی را اسفا نماند . زمئنه دوم همکاریهای

درباره وحدت

است که بر موارد مشخص و موضوعات مشخص در زمینه های مختلف پیش می آید . این نوع همکاریها میتواند از طریق یک کمیته تدارکات و با شرکت فعالانه اعضا کنفرانس و تحت نظارت آن صورت پذیرد .

واماننامه پیشنهادی ما ؟

با توجه به چشم اندازی که در مورد چگونگی تحقق وحدت جنبش کمونیستی در بالاتر ، برنامه ما بسرای وحدت جنبش کمونیستی ، چیزی جز همان برنامه مبارزه ایدئولوژیک نیست . برنامه پیشنهادی ما برنامه ایست که باید این مبارزه ایدئولوژیک را سازمان داده و شرایطی به وجود آورد که نیروهای جنبش کمونیستی را در مقابل مسایل و مباحث ایدئولوژیک سیاسی مشخصی قرار دهد که هدفش دستیابی به ثنوری انقلابی و برنامه و سیاست ، مشی پرولتری باشد . این جریان عمومی و مرکزی مبارزه ایدئولوژیک که میتواند کورائی را در سطح جنبش کمونیستی به وجود آورد ، نیروهای اصیل جنبش کمونیستی را حول برنامه و مشی پرولتری به وحدت خواهد رساند . هدفی که میتواند این مبارزه ایدئو- لویژیک را سازمان دهد ، همان کنفرانس است . از این دریچه طرح این سوال که فرضا در مقابل " برنامه " اختلاف و یا " همکاری اتحادیه ای " برای رسیدن به وحدت چه چیزی ارائه شده است . خود حرکت از دیدگاه اختلاف است . ابتدا اختلاف که خود آلت رتنا تنوی در مقابل حزب است ، به عنوان برنامه طرح میشود و سپس گویی چیزی در حد برنامه همکاری و اختلاف باید برای رسیدن به وحدت جنبش کمونیستی لازم باشد ، اکنون این سوال مطرح میشود که پس " برنامه " وحدت چیست ؟

هدف ما چیزی جز تحقق وحدت جنبش کمونیستی و تشکیلات آن یعنی حزب نیست و برنامه ای که برای آن ارائه میدهم سازمان دادن مبارزه ایدئولوژیک بر مبنای کار فعال گروهها در درون طبقه میباشد . بنا براین ما ادامه کار کنفرانس را به مثابه طریقی برای مبارزه ایدئولوژیک جنبش کمونیستی لازم میدانیم . این کنفرانس میتواند به یک کنفرانس و گردهمایی مرکزی کل نیروهای م ل تبدیل شود که اساسی ترین وظیفه اش را حول برخورد با معضلات شورویک سیاسی و مبارزه ایدئو- لویژیک متمرکز نماید و نیروهای وسیع م ل را در مقابل مسایل مشخص و کنکرت قرار داده و در دستیابی به ثنوری اتحادیه ای برنامه مشی و تاکتیک پرولتری و مرز بندی مشی پرولتری با مشی های غیر پرولتری از این نیروها تاثیر گرفته و متقابلا تاثیر بگذارد و بر این اساس نیروهای اصیل جنبش کمونیستی را حول برنامه و تاکتیک پرولتری تجسم تشکیلاتی ببخشد . به این ترتیب کنفرانس یک کنفرانس دیربایا بوده و تمام نیروها و گروههای دیگر هم که خارج از کنفرانس هستند ، حتی المقدور و بطریق ضوابط مشخصی به آن راه خواهند یافت و احیانا طبق ضوابط مشخصی آن اخراج خواهند شد . این کنفرانس وظیفه دارد دستاوردهای خود را در زمینه مبارزه ایدئو- لویژیک از طریق یک نشریه و یا بولتن بطور مستمر در اختیار کلیه نیروهای جنبش کمونیستی قرار بدهد . این نشریه را میتوان با طرح مسائل مختلف و مباحث ایدئولوژیک سیاسی گروهها که با مسئولیت خویش در آن شرکت خواهند نمود ، غنی تر نمود .

مضمون مبارزه ایدئولوژیک که در کنفرانس صورت خواهد گرفت ، علاوه بر تدقیق ضوابطی که خود کنفرانس دارد بر سر دیدگاههای وحدت و پروسه تحقق حزب ، ساخت جامعه و تحلیل از شرایط جامعه و مرحله انقلاب برنامه سیاسی ، مشی و شعارهای تاکتیکی مبارزه با اصلی ترین انحراف در جنبش کمونیستی (رویژونیسم) خواهد بود .

مسئله ادغام و وحدت تشکیلاتی گروهها همچنان می تواند به عنوان یک مسئله اساسی و محمول مقله سیاسی مبارزه ایدئولوژیک که پیوسته و بصورت مستمر درحاشیه کنفرانس صورت میگردد ، مورد توجه قرار گیرد . این کنفرانس هم چنین یک کمیته تدارک برای هماهنگی ها و همکاریهای موضعی که در زمینه های مشخص و در عمده مشخص صورت خواهد گرفت ، تعیین نماید . این کمیته صرفا جنبه تدارکی دارد و اساسی ترین وظیفه اش پیشبرد همکاریها در چهارچوب ضوابط کلی کنفرانس خواهد بود . درباره ضوابط این کنفرانس بعدا خواهیم نوشت . جلسات این کنفرانس با توجه به دیدگاه فوق میتواند با زمان متناسب و قبلی برگزار شود .

آنها نمی توانند هم به شکنجه و آزار ساداتی برخیزند ،

هم بسازمان مجاهدین خلق تهمت بزنند ،

هم مدافع آنان باشند !

صبح روز سه شنبه صدای جمهوری اسلامی ایران ، خبر دستگیری تقی شهرام ، رهبر سابق بخش منشعب سازمان مجاهدین خلق ایران ، را اعلام کرد . در همان اولین اعلامیه دادستانی ، با وضوح تمام ، هدفهای ترانه گردانندگان امر از این موضوع دنبال میکنند ، چشم میخورد به همین جهت ، افشای این هدفها و توضیح درباره چگونگی برخورد درست و انقلابی باین مسئله ، صرفنظر از داشتن هرگونه اختلاف سیاسی ایدئولوژیک با تقی شهرام ، وبدون اینکه انحرافات و اشتباهاتی که وی در راستای قرار داشته است فراموش شود ، امریست لازم و ضروری . و از این دیدگاه ، ما بدون اینکه اختلافات و مرزبندیهای سیاسی - ایدئولوژیک خود را با وی فراموش کنیم ، در اسناره موضع خود را اعلام میداریم .

نگاهی بزنگاری سیاسی تقی شهرام

تقی شهرام در سال ۱۳۴۷ به عضویت سازمان مجاهدین خلق ایران درآمد و یکی از کارکنان فعال این سازمان بود . در سال ۱۳۵۰ به همراه عده زیادی از اعضا و رهبران سازمان به اسارت مزدوران رژیم شاه جلا در آمد . در زندان ، پس از تحمل شکنجه سرانجام رژیم با حدود ۱۰ نفر دیگر از مجاهدین به پای میز محاکمه در دادگاه اول مجاهدین خلق ایران (که رژیم مقاصد خاصی را از آن دنبال میکرد) کشده شد . در این دادگاه تقی شهرام ، با اینکه میتوانست با قدری کوتاه آمدن ، محکومیت خود را به حداقل ممکن برساند ، ولی با برخورد انقلابی خود و سه بهای ۱۰ سال زندان ، رژیم را در این دادگاه همراه با دیگر مجاهدین پرشور ، افشا نمود .

پس از چندی بیلت در کربلای فراوانی که با مزه واران زندان قصر داشته همراه با رفیق شهید حسین عزتی بزنندان ساری منتقل گشت (در واقع تسبیح شد) او در زندان به همراه رفیق عزتی ، و با جلب نظر رفیق احمدیان (معاون زندان ساری) نسبت با اهداف انقلابی خود ، توانست با توافق و در وقتیک الذکر و اما مداره " ۱۸ قیضه " کمری و بسیم و وسائل دیگر در اردیبهشت ماه ۵۲ از زندان فرار کند و به برادران خود پیوسته . او پس از پیوستن به همزمان خود ، عملا در کربلا رهبری سازمان فرار گرفت .

مشابهات و انحرافات وی چگونه برخورد کردیم ؟

او در طی تغییر و تحولات درونی که ما قبلا توضیحات مربوط بآن را داده ایم (۱) ، در راس بخش منشعب سازمان مجاهدین خلق ایران (س . م . خ . ا) قرار گرفت (برخلاف شایعاتی که مبنی بر تغییر ایدئولوژی وی در زندان وجود دارد ، او در طی همین دوره سوخته تغییر ایدئولوژی داد) ، او در جریان انحرافات و حوادث تاسف آوری که در این رابطه بیوقوع پیوسته ، نفساسی و تعیین کننده داشت پس از برآمدن از زندان انتقادی برعلیه انحرافات گذشته بخش منشعب از (س . م . خ . ا) در سال ۵۶ و ۵۷ (مراجعه شود به اسنادی که قبلا متذکر شدیم) چگونگی برخوردیه اشتباهات و انحرافات تقی شهرام در راستای آن قرار داشت ، دارای اهمیت اساسی بود . موضعگیری ما در مقابل وی بر این اساس قرار داشت که این اشتباه و انحراف در اردوی انقلاب صورت گرفته است و مسائل ناگواری که در این رابطه پیش آمده در مسر مبارزه برعلیه شاه خائن و امپریالیسم آمریکا بوده است . اگر تقی شهرام با ارتکاب اعمال ضد انقلابی ، به نیروهای مبارز فریب زده بود ، در عین حال با قرار خود از زندان ، با داشتن نقش فعال در طراحی اعدای انقلابی سرتیپ زندی پور (معدوم) و سرهنگهای (خون آشام معدوم) آمریکائی و ... فریاد شادی بر بیکر امپریالیسم و ارتجاع وارد آورده بود . بنا بر این برخورد به وی نباید بیست بر اساس برخوردهای خصمانه و نفرت آمیز ، که تنها در مورد ضد انقلاب و دشمنان خلق جایز است ، صورت میگرفت ، بلکه این برخورد مبنایست بر اساس یک برخورد انتقادی و افشا گرانه نسبت به مواضع انحرافی وی و محکوم کردن این مواضع عملی میگشت . از نظر ما این شیوه است که در مورد اشتباهات و انحرافات سیاسی - ایدئولوژیک هر مبارز میباید و پایه قرار میگردد . بدین ترتیب که با توجه به میزان اهمیت اشتباه و انحراف با بیستی آن چنان شرایطی برای یک

(۱) مراجعه شود به جزوات " اطلاعیه " شماره ۵۷ (بخش منشعب از س . م . خ . ا) و " اطلاعیه " توضیحی زمستان ۵۷ " ما و نظرات ما در مورد تغییر و تحولات درونی سازمان مجاهدین خلق ایران (منتشره در اردیبهشت ۵۸) .

مبارز را هم گردد که او با اشتباهات خود بی ببرد (که این کار میتواند بسته به میزان و اهمیت موضوع ، از انتقاد ساده تا گرفتن مسئولیت و تغییر مدار مسئولیت تا فرستادن به اردوی کار و ... تغییر کند) و یا از سازمان و تشکیلات ، توأم با افشای لازم سیاسی - ایدئولوژیک در سطح جنبش اخراج گردد .

ما با توجه به تحلیلی که از قضا با اشتیم ا و از بخش منشعب (س . م . خ . ا) اخراج کردیم و ماهیت جریان را که او تا آن زمان نشان میداد ، میگرد ، در سطح جنبش افشا نمودیم . و امروز ما بدون اینکه ذره ای در حقانیت مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک خود و دیگر نیروهای انقلابی و مترقی برعلیه تفکر و جریان انحرافی که تقی شهرام نمایندگی کرده است تردید داشته باشیم ، بدون اینکه لفظه ای اشتباهات و انحرافات افشای را که وی مرتکب شده است فراموش کنیم ، و بدون اینکه ذره ای در مرز بندی و اختلاف ایدئولوژیک و سیاسی خود با وی تردید داشته باشیم و بالاخره بدون اینکه حتی این احتمال را از نظر دیرا دریم که بدلیل اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی که ما با وی داریم اوسه موضعگیری علیه ما کشیده شود ، لازم میدانیم در اطراف این مسئله توضیح دهیم که چه کسانی حق نظر ، قضاوت و توانائی برخورد سالم با این قضیه را دارند و چه کسانی ندارند . باین قضیه از چه زاویه ای باید برخورد نمود و ... همین طور توضیح دهیم که گردانندگان و کارگردانان فعلی چگونه میخواهند از این قضیه سوء استفاده کنند .

☆☆☆

قبل از پرداختن به هدفهای ترانه گردانندگان چنین اموری از دستگیری تقی شهرام دنبال میکنند و قبل از بررسی این موضوع که چه کسانی صلاحیت و حق نظر در این باره را دارند لازم است اشاره ای بنحوه برخوردی که تا قبل از قنم بهمین ماه در رابطه با تحولات درونی سازمان مجاهدین خلق (سال ۵۴ - ۵۲) صورت گرفته است اشاره کنیم . در این باره ما سا از دو موضع برخورد شده است :

برخورد اول که عمدتا از جانب نیروهای مترقی و انقلابی عم از مذهبی و مارکسیست - لنینیست صورت گرفته ، حول محکوم کردن و افشای ماهیت این اشتباهات و انحرافات و تاسا جدوی درس آموزی از آن بوده است . این نیروها بدروستی معتقد بوده و هستند که اساسا ، اشتباهات و ضایعات تاسف انگیزی که در اردوی انقلاب و در جریان یک مبارزه انقلابی برعلیه ارتجاع و امپریالیسم وجود می آید ، با هیئت با اعضا است که ضد انقلاب همیشه و همواره برعلیه خلق انجام میدهد ، تفاوت فاحش دارد و ایندو را در کنار هم گذاشتن بمعنسی نادرست کردن ضد انقلاب و ضد انقلاب و در نتیجه افشادن بدام ضد انقلاب است که همیشه سعی دارد اشتباهات و تافا فانات نادرست درمفا انقلاب را برجسته و بزرگ و از آن بیروهن عثمانی برای کوبیدن انقلابیون درست کند - کاری که رژیم شاه و بارها و بارها میکرد - همینطور این نوع اشتباهات و انحرافات تاسف بار با جرائم عادی که از جانب افراد و عناصر غیر سیاسی صورت میگردد ، قابل قیاس نیست .

اما برخورد دوم ، که از جانب قشریون مذهبی و تسلیم طلبان و سازشکاران مذهبی و اپورتونیستها و رویژونیستها صورت میگرفته بهیچوجه نمیتوانست بنا بر ماهیت خود ، اولاً

کسانیکه تا دیروز برای مجاهدین شهید اشک تماشاج میریختند ، دیگر امروز مچشان با اندازه کافی باز شده

اشتباهات و مفا انقلاب اصف ضد انقلاب را تمیز دهد ، ثانیا ، بین این نوع اشتباهات و انحرافات هر چند بزرگ و جرائم عادی تفاوت قابل شاد ، بهمین خاطر آنهانه فقط بلالاه مسله دردا من زدن با اختلافات درون خلقی و بیرونی و بیرون انداختن جنگ عقیدتی بهمان راههایی متوسل میشدند که خود آنها بظا هر انحرافی میدانستند ، بلکه بدتر از آن بدام تبلیغات حساب شده و کارزار تبلیغاتی رژیم شاه خائن برعلیه انقلاب - سجون و مارکسیست - لنینیست ها مینافتادند .

استنها قبل از اینکه برعلیه این انحرافات و ماهیت آن مبارزه کنند و نشان دهند جریان انحرافی که تقی شهرام در راستای آن قرار داشت ، جز به تفرقه در میان نیروهای انقلاب منجر نمیشود و جز راه انداختن کارزار جنگ عقیدتی و تضعیف جبهه انقلاب شمری ندارد از همین پیشا مدهها برای تفرقه افکنی در میان نیروهای انقلاب و آتش فروزی ایجاد و گسترش جنگ عقیدتی در بین خلق و ... استفاده کردند (و میکنند) ، بسیار و حتی اکثریت سردمداران که در برهه انداختن این کارزار تبلیغاتی همزبان و همگام با رژیم برعلیه انقلابیون و مارکسیست - لنینیست شرکت میکنند ، در مبارزه و مقابله با جناحیات رژیم شاه خائن سکوت مزورانه ای را در پیش گرفته بودند ، و بدین ترتیب ، ماهیت تفکر تفرقه افکنانه و ضد انقلابی اعمالی که بظا هر از جانب اینها محکوم میشد ، با تزلزل و تسلیم طلبی در

درست است که در میان این بخش بسیاری از مبارزین نیز وجود داشتند که قادر بیک برخورد صحیح با این نوع مسائل نبودند ، ولی سردمداران اصلی این جریان عمدتاً از سازشکاران و تسلیم طلبان (بخصوص مذهبی) تشکیل میشدند که یا در خارج کشور در کنار زندگی راحت خود به حرافی در انجمنهای اسلامی میپرداختند و یا در داخل شاهد و ناظر بیطرف !! جنایات و خیانتهای رژیم شاه خاش بودند:

درباره دستگیری تقی شهرام

آنها در حالیکه شاهد ددمشبهی رژیم شاه خاش بر علیه انقلابیون بودند و مشاهده میکردند که زحمتکشان چگونه در مقابل فشار رژیم شاه بزانو درآمده اند ، چگونه در خارج محدوده خانه های زحمتکشان را که با فروختن الگوگوشواره های همسران شان و اثاث منزل خود تهیه کرده ، بر سر آنها خراب میکنند ، آری ما مشاهده و آگاهی بر همه آنها ، حاضر نبودند حتی یک قدم حادی در راه خلق ، در راه مبارزه بر علیه رژیم شاه خاش بردارند ، بلکه برعکس با حرص و ولع تمام با ستعمار زحمتکشان در کارخانه ها میپرداختند ، با استفاده از موقعیت " مناسبی " که برای شان پیش آمده بود آزمانده و با حرص و ولع تمام به زمین بازی و بورس بازی بر روی اراضی متوسط و بزرگ میپرداختند و بدین ترتیب در غارت خلق ما و در وارد آوردن ضربه بآنها شرکت میکردند . آری ، اینان هر قدر که در مبارزه با رژیم شاه حسابگوشو و بزدل بودند ، در عوض در استعمار و غارت نیروی کار زحمت کشان حریص ، و در مبارزه بر علیه کمونیستها و انقلابیون ، توانا و با حرات بودند ! آنها گاه حتی ، سکوت و تسلیم خود ، در مقابل رژیم شاه را با این عنوان که " مبارزه بر علیه کمونیستها مقدم بر مبارزه با رژیم است " تئوریزه میکردند آنها در راه مبارزه بر علیه کمونیستها حتی حاضر بودند دست اتحاد بسوی رژیم و ساواک دراز کنند ! آنها حاضر بودند برای لطمه زدن به حیثیت نیروهای مارکسیست لنینیست ، بدترین و بیشرمانه ترین دروغها را به آنها نسبت دهند ، یک روز نایب میکردند ۱۵ نفر در بخش منشعب س.م.خ. تصفیه خوین شده اند ، روز دیگر چند نفر را کم و زیاد میکردند ... چیزی که امروز نیز بیشرمانه تکرار میکنند ، آنها با تکیه بر اظهارات تهرانی جلاد !!

اما امروز ببینیم :

چه کسانی تقی شهرام را دستگیر می کنند ؟ ماهیت آنان چیست ؟ و چه هدفی را دنبال می کنند ؟

سیاستی که اینها در رابطه با دستگیری تقی شهرام دنبال میکنند ، با توجه به ماهیت کارهایی که تاکنون نسبت به نیروهای انقلابی و بخصوص مارکسیست لنینیستها انجام داده اند ، از پیش معلوم است . برآنها اختار کارزار تبلیغاتی بر علیه انقلابیون و نیروهای جنبش کمونیستی و آتش زدن و دامن زدن به برخوردهای عقیدتی و برانگیختن نیروهای خلق بر علیه هم ، و با صلاخ منفرد نمودن نیروهای انقلابی و مارکسیست لنینیست در بین خلق ، نیروها شیکه گویا بدجوری مزاحم بورژوازی حاکم و قشریون جنگ افروز و ارتجاعیون و انحصار طلبانی که در راه حفظ مناسبات و منافع آنها گنبدیده سرما به داری وابسته میشوند و بروج میارزات پرشکوه دمکراتیک و ضد امپریالیستی توده های خلق ما سوار شده اند ، گردیده اند .

اگر حتی تهرانی دژخیم میتواند در پیش بردن اهداف آنها در خدمتشان قرار بگیرد ، اگر کارشان ساواک که کار گزار منفورترین و سیاه ترین رژیمهای وابسته با امپریالیسم در طول تاریخ بوده است ، میتواند با این هدف آنان در خدمت کند ، پس تاریخ اولی اشتباهات و انحرافات که تقی شهرام در جریان مبارزه انقلابی و ضد امپریالیستی مرتکب شده است میتواند بدترین مستمک آنان در این کارزار تبلیغاتی قرار بگیرد . اگر یک دژخیم ساواک که شرح تک تک جنایاتش باید زمینه افشاکاری امپریالیسم و تریبیست سیاسی ایدئولوژیک توده های خلق علیه چنین دشمنی کسه ساواک و امثال تهرانی را سالیان دراز وسیله سلطه خویش و غارت خلقهای مآرر ا داده است ، بشود ، چنین نمیشود ، و درست برعکس وسیله ای در جهت حمله علیه انقلابیون ایل و پاک باخته میشود ، پس دیگر اشتباهات و انحرافاتیکه در

جای خود دارد و از قبل روشن است که چه مستمک خوبی می تواند برای آنان بشمار رود . ولی مسلماً این مورد هم ، مانند بسیاری تشبثات ارتجاعی که تاکنون شده است به شکست منجر خواهد شد و سرآنان بسنگر خواهد خورد . دلپلش بسیار روشن است . کسانی هم اکنون این قضیه را مستمک قرار داده اند و تقی شهرام را دستگیر میکنند که خود در همین مدت کوتاه پنج ماهه همان شیوه ها و اعمال تفرقه افکنانه ای را دنبال کرده اند که تقی شهرام دنبال میکرد ، با این تفاوت که هزاران مرتبه بدتر از آن و فاجعه آمیز تر از آن ، با این تفاوت که انحرافات را که تقی شهرام نمایندگی کرده است در دست مبارزه ، قاطع بر علیه امپریالیسم و ارتجاع بوده ولی اعمال تفرقه افکنانه و ضد انقلابی اینان در دست عقیم کردن مبارزات خلقهای ما ، در دست سازش با امپریالیسم ، در دست تریک جریان روبرقشرا صورت گرفته است : دامن زدن به تفادهای عقیدتی و تفادهای درون خلقی ، بدین بست رساندن مبارزه دمکراتیک و ضد امپریالیستی ، مسلط نمودن و همراهی و شرکت در دولتی که عملاً حافظ و مدافع مناسبات سرمایه داری وابسته و حاکمیت مستقیم و غیر مستقیم امپریالیسم هستند ، سکوت و خویندگی خلقهای مبارزی که در چهار روجوب ایرانی دمکراتیک و مستقل خواهان خود مختاری هستند و ... کارنامه ای از اینها است که در روبروی ماست . و اینها مسلماً کسانی نیستند که بتوانند نسبت با این قضیه برخورد و قفاوت نموده و حق کوچکترین دخالتی در این قضیه را داشته باشند و بیابراین صلاحیت هیچگونه محاکمه وزندانی کردن تقی شهرام را هم ندارند .

اگر نیروهای مترقی و انقلابی "وازمه خود ما" علیه شیوه های تفرقه افکنانه و ضد انقلابی که رهبری بخش منشعب در جریان مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی مرتکب شده مبارزه نمودند ، مسلماً نسبت بهمین شیوه ها که هم اکنون هزاران بار فاجعه آمیز تر از آنها در دست سازش و خدمت و وحدت با امپریالیسم تکرار میشود (و نفس دستگیری تقی شهرام و هدفهای که از آن مود نظر است) جلوه ای از این خط مشی میباشد ، سکوت نخواهند کرد . و هیچگونه عموام قریبی ، توطئه ، زندان و شکنجه هم نخواهد توانست جلوی مبارزه خلقها و نیروهای مترقی و انقلابی ما را بر علیه این گونه اعمال سد کند .

واقعا کسانی که بیشتر مانع و با همکاری دولت به همراه اسرار نظامی - سیاسی - امنیتی رژیم تهرانی هستند و مانع از آگاهی خلق برحق با قیروط نمیشوند ، برعکس به بازسازی ساواک و ضد اطلاعات ارتش پردازا اند ... چه حقی دارند که در این مورد قفاوت نمایند ؟ کسانی که کارگران و دهقانان مبارز ما را ضد انقلابی قلمداد میکنند ، تشکل و توراها را آنها را مورد حمله قرار میدهند ، و سرانجام کسانی که رهبران مبارزات عمده با تکار - گردی و کارمندی در رژیم گذشته را دستگیر و زندانی کرده و یا از ادارات و کارخانجات تصفیه میکنند - تنها با این دلیل که عقاید غیر مذهبی دارند - چگونه حق نظرو حکم در این مورد دارند ... ؟

ما هیچگونه حق دخالتی را در مورد مسئله ای که مربوط به انقلاب و سازمانهای انقلابی بوده ، و مسئله ایست که با ایستی در بین انقلابیون حل و فصل بشود ، بکسانی که در همین پنج ماه اخیر دستشان بخون صدها تن از هوطنان کرد ، عرب و ترکمن و ... ما آلوده است قائل نیستیم . ما کسانی که کارگرانی چون نامرتوفیقان را هدف حملات ناجوانمردانه خود قرار داده و بشهادت میرسانند و هیچوجه نسبت به شدت وی احساسی ندارند جز احساس شغف و شادی ، نه فقط برای قفاوت و حکم در اینباره نمیتوانیم مالم بدانیم ، بلکه معتقدیم که اینها خود با ایستی در دادگاه خلق پاسخ گوی تمام جنایات خود باشند .

ما بکسانی که قوانین سیاه رضا خانی و محمد رضا خانی را از زباله دانی تاریخ بیرون میکنند و بنام "لیحه داد" - گاهای ... ضد انقلاب" بخورد مردم میدهند ، و چوبه دار را برای انقلابیون آماده میسازند ، حق هیچگونه نظریه پردازان با روه قائل نیستیم .

ما برای کسانی که توده های آگاه ارتش را که حاضر به اطاعت از امرای وابسته به رژیم شاه خاش که دستشان مستقیم و غیر مستقیم بخون مردم بیگناه ایران و عمان آلوده است نیستند ، مورد پیگرد قرار میدهند ، حق نظر در اینباره قائل نیستیم .

واقعا کسانی که برای رسیدگی به جنایات نظامیان و افراد پلیس (توجه داشته باشید تنها چند روز دیگر)

جناپیکاران ارتشی و پلیس را عفو میکنند ، و بدین ترتیب نشان میدهند که بعد از این برای خونهای که در همین یکسال اخیر ریخته شده ارزش قائل نیستند ، و برعکس در پی ساز گرداندن نظامیان و پلیسهای جناپیکار فراری هستند تا بیشتر و بهتر بتوانند در کردستان و ترکمن صحرا و خوزستان و ... خویشی براه بیان نازند ، آری ، چنین کسانی چگونه میتوانند حق نظر در مورد این مسئله و امثال آنرا داشته باشند ؟

کسانی که تادیروز برای مجاهدین شهیدانک تمساح میریختند ، دسگرا مروز چشان باندازه کافی ساز شده است ، ما هست آنها دیگر در پیش بسیاری از توده ها آشکار گشته است آنها دیگر نمیتوانند هم به شکنجه و آزار ساداتی برخیزند هم بسازمان مجاهدین خلق تهمت بزنند و هم خود را بعنوان مدافعین سازمان مجاهدین خلق ایران فلهامد اکنند . و بالاخره ما بکسانی که اعمال تفرقه افکنانه و تشدید کننده تفادهای درون خلقی تقی شهرام را هزاران بار بدتر و توطئه آمیز تر و ناجوانمردانه تر تکرار میکنند ، حق هیچگونه دخالت و قفاوت در این مورد قائل نیستیم . ما هیت کاری که اینها دارند دنبال میکنند از پیشابیش معلوم است . همان اطلاعاتیه اولیه کوتاه داستانی و دروغهای آن و بخصوص (توجه کنید) جرم شرمند بریدن از اسلام و رسدن به مارکسیسم نشان داد که هدفهای دستگیری چیست ؟

بنا بر این : توده های آگاه خلق ! خانواده های شهیدان !

نیروهای دمکرات و انقلابی ! و مارکسیست لنینیستها ! بنظر ما ، بدون اینکه ذره ای محکومیت انحرافات و اشتباهاتی که تقی شهرام در اسان قرار داشته فراموش شود ، بدون اینکه اختلاف سیاسی - ایدئولوژیک با وی ز نظر ما دور شود ، با ایستی در افشای ماهیت هدفی که میوه جینان انقلاب از دستگیری تقی شهرام دنبال میکنند کوشت کرد . در این راه به هیچوجه انحرافات هر چند بزرگ تقی شهرام نباید دلیلی بر سکوت در مقابل هدفهای دستگیر کنندگان و گردانندگان امر قرار گیرد و اشتباهاتی که در حین مبارزه ضد امپریالیستی صورت گرفته نباید سبب عدم دعوت از تقی شهرام (نه نسبت به او قیامت انحرافات او بلکه نسبت به تحریکات و شوه های که قشریون جنگ افروز بر علیه او و از این طریق بر علیه انقلابیون راستین بکار میگیرند ، گردد .

باید پیشابیش توطئه های را که در این رابطه در حال تکوین است محکوم نمود و اجازه نداد که ضد انقلاب و انحصار طلبان سیاسی از دستگیری تقی شهرام سو استفاده نموده و آنرا در خدمت هدفهای ضد انقلابی خویش قرار دهند . آنها قبل از این نشان داده اند که چگونه حاضرند شیوه های ضد انقلابی برای دامن زدن با اختلافات ایدئولوژیک و ضربه زدن به انقلابیون دست بزنند و از طریق بکار گرفتن رادیو و تلویزیون توده های نا آگاه خلق را در راه هدفهای خود بسیج سازند . ما نمونه این را در ترور تاسف بار آیت الله مطهری متا هده کردیم و دیدیم چگونه خواستند این حادثه را نا جوانمردانه به نیروهای چپ نسبت دهند . ما در تو تلویزیونی تهرانی جلاد دیدیم که اینها حتی ابائی از حرف زدن بسا زبان یک دژخیم کشیف ندارند و ... امروز در حالیکه اینان در توطئه لطمه زدن به حیثیت سازمان مجاهدین خلق ایران ، از طریق دستگیری و شکنجه و نسبت دادن تهمتهای ناروا به مجاهدان سیر محمدی ساداتی ، عمدتاً شکست خورده اند در پی علم کردن این جریان هستند ، نباید آنها اجازه چنین کاری داده شود .

چه کسانی در مورد این مسئله حق نظر دارند ؟

ما فکر میکنیم در این مورد تنها توده های آگاه و نیروهای مترقی و سازمانهای انقلابی و رزمندگان که در سالهای سیاه و خفقان مبارزه سرخستانهای بر علیه امپریالیسم و دشمنان خلق نموده اند (...) میتوانند و حق اظهار نظر نسبت با این مسئله دارند ، که آنها هم مدت ها ست نظر خود را در اینباره داده اند . بنا بر این ما اعلام میکنیم با توجه به توضیحات بالا ، دستگیری تقی شهرام و توطئه چنینها که در این رابطه دارد صورت میگیرد ، شدیداً محکوم است .

برقرار باد همبستگی نیروهای خلق ! محکوم باد توطئه چنینی و تفرقه افکنی در صفوف خلق! درود به همه شهدای راه آزادی و استقلال !

" سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر "

وزارت کار و درو روی کارگران

کارگران بنز خاوری مبارزات سه چهار ماهه خود توانستند تن از مزدوران ساواک، مدرسان و سرپرستان صد کارگر را اخراج کرده و همچنین ۴۰ ساعت کار در هفته را به اجرا درآورند. در این مدت هیئت مدرسه سابق شرکت تعاونی اعتبار را به اتهام اخلاقی و خانیت حوصل کمیته صلح کارخانه دادند. ۴۰ تومان اضافه حقوق دست آورد دیگر کارگران بود. کارگران در ادامه مبارزات خویش با اعلام حواسه های ۸ ماده ای خود دفتر مرکزی شرکت را به اشغال خود درآورند. نظارت شورا بر کلیه امور مدرسه، اخراج کلیه شفافاهای رفاهی و بهداشتی و اسمنی کارگران و سفارشات خارجی برای قطعات و مواد اولیه از جمله خواسته های اسکه کارگران بدان اشاره کرده اند. اما کارفرما همواره دفع الوص کرده و با حمله گری های خود کارگران را سرمیدواند.

دخالت وزارت کار...

روز یکشنبه ۵۸/۴/۱۰ با تلقی عوامل کارفرما به وزارت کار افراد (ملح) "بیرونی ویژه منظم روابط کار" (م) (در واقع جمعی جدید کارفرمایان) به محل مزبور آمده و کارفرما و عواملش را از دست کارگران درمی آورند. و به وزارت کار میروند، همانند کارگران کارگران نیز، بدسلاطین حزان به وزارت کار میروند بنده ماحرا را از زبان خود کارگران شنوید:

سرود شما فد اصلاح هستند شما صد بشر هستند من شما کار ندارم سوار ماسن ند رفما که اعتراض کردیم با سادارها اسلحه سوری ما کشیدند و گفتند سوهس سبه آتای وربر سوهس به امام اسب. آتا در کهای مملکت اسکه حق خود را حواستن نوهس به امام اسات آتا ایس وربر کار خط مناس با خط منی امام نکست؟ ایس قفاوس با شماست.

راستی برادران کارگر، صد انقلابی کست؟ کارگرایی که سار سنگس انقلاب را ندوش داشتند تا کارفرمایانیکه به محیی آنکه وضع را با مساعد دیدند تمامی بولهای خود را از بانکها خارج کردند و اسکا با بروئی هرچه تمام برای اسنما را سرگشته اند. آتا صد انقلابی کارگرایی سسند که سهای می سخی های ناشی از سی نفتی، بی-برقی و غیره را از صص حان تحمل کردند تا انقلاب به بیرووری سرس با کارفرمایانی مانند سواد آور که بمحض آنکه سوخت قطعات سدکی و غیره به آنها نرسد مسورا تصمیم به اخراج کارگران خود نمودند. صد انقلابی کست؟ کارگر با کارفرما، خودان قفاوت کشید. خواهش میکنم که برای این مقاله را در هفته نامه خود چاپ کنید تا آتای برادران کارگرمان رود.

قبل از عده ای از کارگرایی که شاهد جریانها می بودید، با فرور و فرورهای خیره عوفی نگیند.

عکس العمل کارگران در مقابل توهین وزیر کار

ساز توهین وربر کار به کارگران، کارگران بنز خاور بهیته و خشمگین دست جمعی به خانه آت اللله طالقانی رفتند و نامه اعتراض آمیزی به نماینده آتای طالقانی دادند. آنگاه به کارخانه برگشتند و آنچه را که بوسران آمده بود با کارگران دیگر در میسبان گذاشتند. موج اعتراض و ختم و ضرب علیه فروهرسر، بشنبیان سرما به داران بالا گرفت و کایکان بکدل و بک-مدا گفتند، حاصان سرما به داران فد انقلابی اند. کارگر حواشی منگمب:

بنام خدا
از برادران کارگر ما در کارخانه بنز خاور سه ما خیر رسیده اسکه روز شنبه ۵۸/۴/۹ نمایندگان کارگران با تعدادی کارگر دیگر اس کارخانه به دفتر مرکزی اسن شرکت میروند و حواستهای سر حق خود را برای چندمین بار با کارفرما مطرح میکنند، ولی ما مخالف روبرو مسوتود کارگران که دیگر مدارکه با کارفرما بی نتیجه میسند و دیگر کاسه صرشان لبرس شده بود نشنا راه را در اس میسند که کارفرما و حدس س از عواملی را مجبور به ماندن در دفتر شرکت نماسند، تا تکلیفنا روس سود، رور بعد از طرف کمیته ارکارگران و اعضای سورا مخواهند تا به وزارت کار رفته و در آجا مسائل خود را با نماینده وزارت کار مطرح نمایسند. اتفاقاً در آجا با وزیر کار آقای داروس فروهر روبرو میسوند. کارگران با خوشحالی به طرف آقای وربر میروند ولی به محض آنکه جناب وزیر موجه کارگران بنز خاور میسود، کارگران با خوشحالی میگویند آقای وزیر بیاد ما برس. آقای وزیر میسرس شما کارگران کجا هستن؟ کارگران میگویند: بنز خاور. آقای وزیر گفت: شما ها همانها سسید که کارفرما را گروگان گرفته اند

ضد انقلابی کیست؟

بنام خدا
از برادران کارگر ما در کارخانه بنز خاور سه ما خیر رسیده اسکه روز شنبه ۵۸/۴/۹ نمایندگان کارگران با تعدادی کارگر دیگر اس کارخانه به دفتر مرکزی اسن شرکت میروند و حواستهای سر حق خود را برای چندمین بار با کارفرما مطرح میکنند، ولی ما مخالف روبرو مسوتود کارگران که دیگر مدارکه با کارفرما بی نتیجه میسند و دیگر کاسه صرشان لبرس شده بود نشنا راه را در اس میسند که کارفرما و حدس س از عواملی را مجبور به ماندن در دفتر شرکت نماسند، تا تکلیفنا روس سود، رور بعد از طرف کمیته ارکارگران و اعضای سورا مخواهند تا به وزارت کار رفته و در آجا مسائل خود را با نماینده وزارت کار مطرح نمایسند. اتفاقاً در آجا با وزیر کار آقای داروس فروهر روبرو میسوند. کارگران با خوشحالی به طرف آقای وربر میروند ولی به محض آنکه جناب وزیر موجه کارگران بنز خاور میسود، کارگران با خوشحالی میگویند آقای وزیر بیاد ما برس. آقای وزیر میسرس شما کارگران کجا هستن؟ کارگران میگویند: بنز خاور. آقای وزیر گفت: شما ها همانها سسید که کارفرما را گروگان گرفته اند

"قاطعیت کارگران کارخانه آکروساز بر علیه عوامل امپریالیسم و بقایای ارتجاع"

لسا س کارم سستان نمکسند. کمیته مرتبه کارگران بوسه میکنند که سرنکند کارها درست مسود، در کارها دخالت نکنند ولی کارگران سترو کارخانه به کمیته سفارتمآ وورد بنا بحال سحت شمار کارگران کارهای در کارخانه انجام شده است. ۴ نفر از کارمندان کارخانه ما به نام ارتش با ساواک و دردی اموال شرکت و حیف و میل آن سوسط کمیته کارخانه به کمیته انقلاب سپهرا هوار سحول داده سندن. اس چهار نفر، ۱- علی حسینی رئیس امور اداری و مدیر تولید، ۲- سخاوی مدیر ترخیص کار، ۳- مسیری رئیس کارگر سنی، ۴- علی مسوری رئیس روابط عمومی مناس شد. آنها در با زوئیشا می که از آنها سعمل آمد، تمام نقصیرها را سه گردن مسدرا سصل انگلیسی اسدا حستد.

بعد از انابودی رژیم سلطنتی ساه، کارگران و کارمندان کارخانه آکروساز اهاوز برای سدکی به وضع کارخانه، نخصه و اخراج عوامل ساواک، بازگردادن کارگران اخراجی و راه اندازی دوساره کارخانه کمیتسای سسکل داده، اس کارخانه سار سده، محازن مشاروی کار و نف اسب، واسسه به شرکت آکرو اسکلستان است و بنف سهام آترو بانک توسعه، صنعتی و معدنی و شخصی نام نصرالله زندیسیرازی در حاضردارند.

کارخانه مزبور صد ستر کارگر حدود سی ستر کارمند دارنده اسب اینعه صد ستر کارگر و ۴ ستر کارمند در کمیتسای انقلاب کارخانه انتخاب سند. کارگران کارخانه در انتخاب نماینده تحرسه نداشتند. در کارخانه ای که ۱۰۰ ستر کارگر و حدود ۳۰ ستر کارمند دارد، ساد تعداد نماینده کارگر و کارمند به هسن نسبت ساشد. نه دو کارگر و ۴ کارمند، البته اس بی دهتی کارگران در انتخاب نمایندگان مساور، دل سسل دیگری هم داشند کارگران فکر نمیگردند با سزمایه داران در راس حکومت قرار گرفته اند، آنها از سهای سلاب برده خیر ندا سشند. اس با ظرهم حکم میگردند دولت با اطلاع انقلابی دولت خود آنهاست و لزومی ندارد که آن فشا ر سبایورند. در این پنج ماهه، کمیتسای کارخانه سشان داده اسکه بهیتر طرف کارفرما و دولت را میگردند طرف کارگران را. دوی ستر کارگری هم که در کمیتسای هستند بهیترها کارمندان همیشه زیور کولدر ساحتان اداری نشسته اند و در این مدت دیگرس کشور ما در کرد.

کارخانه مزبور صد ستر کارگر حدود سی ستر کارمند دارنده اسب اینعه صد ستر کارگر و ۴ ستر کارمند در کمیتسای انقلاب کارخانه انتخاب سند. کارگران کارخانه در انتخاب نماینده تحرسه نداشتند. در کارخانه ای که ۱۰۰ ستر کارگر و حدود ۳۰ ستر کارمند دارد، ساد تعداد نماینده کارگر و کارمند به هسن نسبت ساشد. نه دو کارگر و ۴ کارمند، البته اس بی دهتی کارگران در انتخاب نمایندگان مساور، دل سسل دیگری هم داشند کارگران فکر نمیگردند با سزمایه داران در راس حکومت قرار گرفته اند، آنها از سهای سلاب برده خیر ندا سشند. اس با ظرهم حکم میگردند دولت با اطلاع انقلابی دولت خود آنهاست و لزومی ندارد که آن فشا ر سبایورند. در این پنج ماهه، کمیتسای کارخانه سشان داده اسکه بهیتر طرف کارفرما و دولت را میگردند طرف کارگران را. دوی ستر کارگری هم که در کمیتسای هستند بهیترها کارمندان همیشه زیور کولدر ساحتان اداری نشسته اند و در این مدت دیگرس کشور ما در کرد.

اخبار کارگری

پاسخ حق طلبی کارگر

در تاریخ ۵۸/۴/۱۲ کارگران ساده شرکت سهای سنگین، که در جاده مخصوص کرج واقع است دست از کار میکشند. کارگران خواستار حقوق بیشتر بودند. اسن کارگران زحمتکش روزانه در مقابل کار سنگین ۰۰ تومان حقوق میگردند و با توجه به هزینه سرسام آور زندگی قادر نیستند حداقل مایحتاج زندگی را برای خود فراهم کنند از اینرو آنها خواستار اسن میسوند که ۱۰ تومان سبه حقوقشان اضافه شود. اقدام دسته جمعی کارگران با عکس العمل شدید و توهین آمیز مهندس سرور پرو میسود مهندس آنها را تهدید به اخراج و دچار شدن به سبلای بیکاری میکند. و هنگامیکه یکی از کارگران با پا سخگویی با او میبر دازد، او را به اطاق خود احضار و بعداً او را کتک میزند. اسن عمل سست فطر تانه مهندس را اعتراض کارگران مواجه میسود و پنج تن از آنان برای شکایت سبه کمیتسای میروند ولی تنها حاصلی که میسای بند همانا سسک اخراجی از طرف مهندس بود. و کمیتسای هیچ اقدامی سسنع آنها نکر. که البته چیز دور از انتظاری میا نبود. کارگران با تکیه به نیروی خود و با تشکیلات خود میتا نند حقتان را از سر مایه داران زالوصفت بگیرند تا به تسول بهار گانهای بورژوازی. اسن مسألهای است که روز بروز کارگران مسا در عمل بیشتر به آن میسرسند.

در هسند اول تیرماه کمیتسای اداره شهر اهواز رای خود را در باره دوتن از چپا رفتاری که سوسط کارگران و کمیتسای کارخانه با تها همگاری با ساواک و زدوی از اسوال شرکت دستگیر شده بودند صادر کرد و احازه داد که آنها به شرکت بازگردند.

علی حسینی رئیس امور مالی و تولید شرکت با اسگردن افزایش سترکت با زکشت، اومعرفی نامهای برای کارمجدد از دادگاه گرفته بود. کارگران بحص دیدن اودست از کار کشیدند و همه یکپارچه گفتند: "یا حسینی، ما ما بعد از دوروز اعتصاب کارگران، کمیتسای کارخانه را مجبور کرد سند که بهیتره نمایندگان دادگاه انقلاب شهر و کمیتسای اداره کار جلسه دادگاهی در خود کارخانه سسکل شود تا خود کارگران حسینی مزدور را به محاکمه بکشند، محتسیدی نماینده کمیتسای سهرنحت فسار کارگران طی صحتهای اعلام کرد که رای قبلسی ما ظل است و رای نهایی همان است که در این دادگاه میگیریم مجتهدی راجع به خصوصیات انقلاب اسلامی صحبت کرد که سوا اعتراض یکی از کارگران رورو شد که میگوید: "بزبان ماحرف سز"، حرفش را قطع کرد. بعد از آن کارگری نظرف رئیس دادگاه حمله سرد که کدام قانون گفته است که در جلسه کارگران ما مور کمیتسای اسلحه گرم آورده شود. طی صحبت فرار شد دیگر ما مور کمیتسای بدخل کارخانه نیاسند و فقط وظیفه نگهبانی را سبده داشته ساشد.

در طی جلسه دادگاه چند نفر از کارگران راجع سبه دزدیها و سواکی بودن اوصحت کردند و نویس به خود حسینی رسندا از حوتی دفاع کند. حسینی میگوید: "من تقصیر سبری ندارم، من تک مجری بوده ام همه تقصیر مدیر عامل خارجی بوده، اودستور میداد و من احرام میکردم. در این موقع کارگران دستسجمعی اعتراض کردند که شما همه با هم بودسند، حسینی در ادامه صحبتی بین گفت: "من هر فراردادی که با شرکت سسمن منسجم ترجمه آنرا به مدیر عامل میدادم و او هم تاشد میگردد. در این موقع یکی از کارگران اشاره به زدوی حسینی کرد و گفت: "دردی چرا غهای شرکت که خودت انجام دادی هم ترجمه مخواوس؟"

حسینی که ما اتحاد و قاطعیت همه کارگران روبرو شده بود، شروع به التماس کردن کرد و گفت من قبول دارم اشبها هائی کرده ام، ولی بس فرصت دهد تا خدمتگزار شما باشم، که کارگران همگی سرتکان دادند و لبخند ستمخرآ میزی زدند.

بعد از حسینی رئیس امور مالی احاره صحت خواست و گفت: "من از شما برادران کارگر میخواهم که به آتسای حسینی فرصت دهد، اسنا الله اصلاح مسشوند، آخردرا سلام گفتند هست. سخا طرزن و بجهه بس با بدبا وفرمت داد." در کارگران بیج ویج در گرفت که نوست "تو" هم میسرس. کارگران دیگر آبدیده شده بودند. اس اولین باری سبود که با س اسلام مخواوس سندن سران را شرسه ساملند. بعد از رئیس امور مالی یکی از کارمندان نماینده کمیتسای کارخانه شروع به صحبت کرد، او گفت: "برادران کارگر، من در دشما را میفهمم که با همن مدرمالی همکلاس سدم و دوربال ندا شتم کرا به اتوبوس بدهم، ولی همین آقا با بهترین ماسن به مدرسه مبد مد تقبه در صفه"

سرمایه داری وابسته ، زانوی اجتماع

در کنار صنایع مونتاژ اتومبیل از قبیل اسران ناسونال و یا جنرال موتورز ، که به غارت مردم و سوزیه کارگران مشغولند ، کمتر حرفی از گروه صنعتی خاور که در واقع دست‌کزدی از آنها ندارد ، میان آمده است . این شرکت در نزدیکی بیست سال که از تاسیس آن می‌گذرد توانسته است ثروت هنگفتی را صاحب شود . این کارچنانچه نشان خواهیم داد از طریق استثمار و حشانه کارگران از یک طرف و چپاول مصرف‌کنندگان از طرف دیگر میسر شده است . کارگران مبارز این شرکت که حتی در ساهنرئیس روزهای دیکتاتوری شاه دست‌ان مبارزه سر علیه ظلم و ستم برداشته اند ، هم اکنون نیز در اوضاع منتهی-کارخانه که کارفرمای زانولوفت شرکت که در دیماه اموز نیز به اعمال فدکاری خودمنتها در لباس دیگر ادامه میدهد ، عامل آتس ، به مبارزه برخاسته اند . مدیریت جدید شرکت به افرادی چون شرادگان - حلیسان - درزا کاران که چون جماعتی همواره بالای سر کارگران بودند و اجبرا بهمت مبارزات کارگران اخراج شده اند ، منالغ هنگفتی پرداخت نموده اند . این امر با محالعت شدید کارکنان شرکت مواجه شد . همین آقای حلیسان که در دیماه ۵۶ سال اعتبار ۶ روزه کارگران جهت سودویژه افزایش حقوق را با کمک وزارت کارفرما و پاسگاه ژاندارمری سمعت آباد سرکوب کرده و بسیاری از کارگران را اخراج نموده بود ، اینک دستخوش خود را از مدیریت چندی در واقع ازجیب کارگران میگیرد .

چنین اوضاعی کم و بیش در سایر کارخانه ها و موسسات تولدی نیز مشاهده میشود . ولی تا آنجا که به کارگران مربوط میشود ، در هر حالی که کار می‌کنند بیگمان تحت ظالمانه ترین شرایط ، شره حانسان توسط زانوان سرمایه دار مکیده میشود . گروه صنعتی خاور یکی از بارزترین این ستم خانه هاست .

حدود ۱۹ سال قبل شرکت خاور بوسیله خانواده های کاشانی و سودآور با سرمایه ۲۶ میلیون ریال بصورت یک واحد کوچک تولدی در تهران تاسیس گردید . طرفی اولیبه این کارخانه ۱۸۶ کامیون در سال بوده است . مدیران شرکت از همان ابتدا از میان خانواده های کاشانی و سودآور بر مجریه شده اند .

بعداً "اصلاحات ارضی" شاهانه در سال ۱۳۴۱ و آماده شدن بیش از پیش زمسه جهت گسترش نفوذ امپریالیسم و تامین منابع در ایران ، صنایع مونتاژ (با استفاده از نیروی کار ارزان و بازار فروش بزرگ و نزدیک) رشد بیشتری حاصل نمود .

کارخانه خاور نیز همچون دیگر موسسات صنعتی وابسته به امپریالیسم شامل این رشد شد : به طوری که سرمایه آن در پایان سال ۱۳۵۵ به ۱/۹۶۰/۲۰۰/۰۰۰ ریال (صدونودوشش میلیون و دوست هزار تومان) و در پایان سال ۱۳۵۷ به ۱۰/۰۱۶/۹۳۰/۰۰۰ ریال (صدوشانزده میلیون و نهصد و سی هزار تومان) و تولید آن از ۱۸۶ دستگاه در سال به حدود ۱۰/۰۰۰ کامیون در سال رسیده است .

چنانچه دیده میشود سرمایه شرکت در طی فرسب ۲۰ سال ۱۱۶ برابر شده است و این سوی آن سرمایه گذاری - هائی که در سایر رشته های تولیدی انجام شده است . بعنوان مثال صد در صد (۱۰۰%) سهام شرکت ناسونالگی و رسندگی فونتاب ، صد در صد (۱۰۰%) سهام شرکت تعمیر گاه بزرگ کامیون تهران ، صددرصد (۱۰۰%) سهام شرکت گواه ، ۲۲/۵ درصد شرکت اندم (تولدموهورهای دیزل ایران) ، ۴۵ درصد سهام صنایع ریخته گری ایران و غیره . بهمین باندغارتگر (کاشانی و سودآور) تعلق دارد . علاوه بر اینها از صنایع نساجی مازندران با سیمان شمال و سیمان تهران نیز میتوان نام برد که نفوذ و دایره عمل این زانوی های خونخوار در نشان میدهد ، که اینها همه و همه از طریق استثمار بیرحمانه توده رحمت‌گشت عمدتا بدو صورت ذیل میسر گشته است :

- ۱ - استثمار خریداران (کاموندارها)
- ۲ - استثمار کارگران

همانطور که قبلاً گفته شد ، سعاد "اصلاحات ارضی" شاهانه که کشاورزی ایران را به نابودی کشاند ، تا ایران را بصورت بازار یی حاضر و آماده پیشکش امپریالیسم کند ، هجوم واردات انواع و اقسام کالاها ی ضروری و غیر ضروری ، به امر حمل و نقل اهمستی فوق العاده بخشید . شرکت خاور از آنجا که نمابندگی انحصاری وایملر سنز آلمان را داشت توانست زیر چتر حمایت دولت وقت کسبه واردات کامیون را برای دیگران ممنوع کرده بود ، به

سرمایه دار ، دشمن نوع بشر درود بوکارگر ، متحد بزرگ

غارت و چپاول خلق ایران بپردازد . صاحبان شرکت که با موج تهاوی حریفان کامیون مواجه شدند ، با سوء استفاده از این استقبال و سیلیبانات و بازار گرمی ، موعدهتول کامیون را مصوعا بهدوتاسه سال افزایش دادند ، در صورتیکه در همانزمان تعداد زیادی کامیون در محل کارخانه آماده فروش بود . به کران اتفاق افتاده است که حواله ۲۰ هزار تومان سی کامیون در بازار آزاد توسط دلان به مبلغی در حدود ۱۲۰ هزار تومان وبیشتر بیفروس رفته است . (علی ساریانها کامیون دار شهسوار از طریق معامله حواله ها صاحب ثروت هنگفتی گردیده است) .

پس از چندی که در اثر افزایش فروش کامیون و احاد شرکت های مشابه بازار فروش کامیون از تنو تا ب افتاد ، مدیران شرکت راه دیگری برای چپاول باصتند . بدین ترتیب که برنامہ "فروس به صورت اقساطی" را در بیس گرفتند که بچره دریامی ، خودیبه منبع عظم ثروت برای صاحبان شرکت تبدیل شد . این روش با حدی بیش‌نبر هنوز ادامه داشت .

در سطر آوری آن رنج و مشغنی را که رانندگان رحمتکش کامیون کاشکاری و فیول طرانت سبیا رکسیده اند و میکوشدنا بهره های سرم آوار اس زانوان مصومع برداخذ شود . در نظر آوری آن خستگی و بیماری توانفرمای ناسی از کار زیاد رانندگان را که باالصار اس قشتر زحمتکن را سدام اعتقاد سوامدخدر افکنده است . در سطر آوری آن داعسدگان را که ناس آورشان بدلیل خستگی ساشی از کار بیسوار حدر جاده ها نکام مرک سورو رفته اند . و مقاسه کسید آن سرمایه داران خویشوارشرک را که اینک با دولت موقت برده عشق میازسد و " طرحهای پشپهادی" مدهد .

استثمار کارگران

صاحبان شرکت خاور از همان آغاز برای جلوگیری از منحص شدن سود واقعی کارخانه ، حقوقهای کلانی برداشت کرده اند . در سال ۱۳۵۴ هر یک از آنان سودآور بطور

خبری از جنرال استیل :

اعتصاب کارگران

همه ساله پس از عند حقوق کارگران جنرال استیل زیاد میشد ، ولی امسال پس از اینکه کارفرمای صیونست مزدورن القابن انعام سد و امور کارخانه بدست دولت افتاد ، مسئولین حدید هیچگونه رسدگی نخواسه های کارگران نکردند و بهمس علت هر روز نا اعتراف کارگران رویو مشدند . سرانجام کارگران مصمم گرفتند که با اعتصاب خود برخی ارحوشان را بکسرنند . گردانندگان کارخانه بخاطر جلوگیری از اعتصاب ، کارگران وعده دادند که مبلغ ۴۲۰ هزار تومان به کارگران برده حاکتند ، که باین وعده سر عمل نقتد . نازهم اعتراف کارگران اوج گرفت و با اینکه روز دوشنه چهارم سرمایه کارگران دسب با اعتصاب رند و در هنگام تعطیل شدن (ساعت ۴ سعاد رطیر) دسبار کارکنند . "نمابندگان کارگران (که هیچکاه برای کارگران انجام نداده اند) با آنها قبول دادند که با بردای آسور به حواسته ها بشان رسدگی شود . ولی نازهم کاری نکردند و اعتصاب دوساره از طهر آسور شروع شد ... و بالاخره کارگران قول داده شد که مبلغ فوق الذکر راهمه ماهه سعبوان اضافه حقوق پرداخت کنند . که از اس ناس با هاند بزرگتر سب ۶۳۰ الی ۶۸۰ تومان (ناسوچه به سابعه کار) تعلق می گیرد . بدین ترتیب اعتصاب در ساعت ۸ صبح چهارشنبه پایان یافت .

در حال حاضر کارگران از سدیکا و سانسدگان شان ساراضی هستند . آنها میخواهند بخاطر سدیکا ی قلابی اعتصاب کنند و بجای آن سورا احاد کنند . در مورد وضع فعلی کارخانه کارگران میگویند : "درگذشته عدهای آمدند خوردند و رسند . حال عدهای سائل دیگری آمده اند محیرت !"

قاطعیت

کارگران تحت تاثیر حرفهای او سوار گرفتند . سعاد قرار شد آنهائی که سآمدن حسیسی به کارخانه مخالفتند ، دستبند کنند . همگی دستبند کردند . جالب اینجاست که مدیران مور مالی هم که از حسیسی دفاع میکرد ، دستبند کرد .

کارگران رای باخراچ حسیسی دادند . در سانه اتحاد و همبستگی کارگران ، همه آن کسانیکه همشنه فدکار گزیندند الا دنناله روکارگران نده بودند . تحت تاثیر قاطعیت کارگران بشرو ، کارگران مرده و متزلزل هم با خراچ حسیسی رای دادند . سعاد زحیسی ، سوس سسری فرارسد . ولی بطلت سبک بودن آنها متناسا و اجازت زکشت بزرگ را دادند .

متوسط ماهی ۳۰ هزار تومان حقوق منگرفته است که در همان سال متوسط حقوق کارگرفنی و با سابقه مشابه از ۳ هزار تومان بیشتر نبوده است . در هاسال کارفرما سنی می‌کنندنا فراداد ظالمانه ای را برای برداخذ سودویژه به کمک نمانسگان قلابی کارگران به کارگیران زحمتکش شرکت تحمیل کند ولیکن آنها هیچ رو زس نارابن قرارداد تحمیلی نضمروید . حال با ساحت که مدیران شرکت که خودسها مدار عمده اند هر یک ۳۰ تا ۶۰ هزار تومان سود ویژه که منعلق نکارگران است ، برداشت می‌کنند ! و این علاوه بر آن مرابای نقدی (عدی سالانه ، اصامه کاری و ...) و غیر نقدی (استفاده از اتومبیل ، مسافرت و ...) است که سر به فلک میرسد . باز هم در اسفند همان سال در کنار این چپاول دو قطعه حکم صمغ مبلغ حدود ۲۲۰ هزار تومان به سعاد درج بپهلوی دادند . که اینها همه و همه حاصل خون و عرق کارگران رحمتکش کارخانه بود که خود از آن بی بهره بودند .

کارگران کارخانه خاور که تحت فاسسی ترس شرایط خان می‌کنند همواره در معرض تهدید و ارعاب افراد مزدوری چون سرهنگ گل سرخی رئیس کارخانه ، بیروز حالی سرپرست خدمات ، شرادگان رئیس کارگرفنی و گماشنگان مزدورشان قرار داشتند . بر نظر اس عناصر مد کارگر بود که همه ساله تعدادی از کارگران کشته میشدند : کارگری ریز محموله لیسف تراک بریس میشد ، کارگر دیگر در صن کار سوسله ماسن آس نشانی به فصل مسردو کارگر دیگری که برای گریز از سوز و سرما بدلیل عدم وجود وسائل حرایی مقداری همزم را در بست سسرس مسوزاند ، زنده زنده کتاب مشدود و در عوس عناصر ضد کارگری که اینک سهم مبارزات کارگران فراری شده اند بولهای کلانی ستوان مرابای ناسان " خدمت " و پاداش های جور و اجور از کسبه کارگران برداشت میکنند .

مدیران شرکت (کاشانی و سودآور) که ضمناسام به داران عمده نیز می‌باشند ، علاوه بر منالغ هنگفتی که ستوان حقوق و غیره به جس می‌زنند و خواه کلانی نیز سات سودسها برداشت میدارند . به ارقام زیر از شتریسسه اعلان عرضه سهام در بورس ، مستشره از طرف شرکت خاور توجه کنید :

سال	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵
سودخالصی بین از کسر	۲۲۰	۶۸۶/۶	۸۰۷/۵	۷۵۱/۶
مالیات ۲ میلیون		۸۸۰۰۰۰		
تعداد سهام	۸۰۰۰۰۰	۸۸۰۰۰۰	۱۴۲۵۶۰۰	۱۹۶۰/۲۰۰
سبب سود سهام	۹۰%	۷۸%	۵۶/۶%	۲۸/۳%
سهام حابره ای (محاسنی)	۱۳/۸%		۲۷%	۲۷/۵%
به سهامداران *				
جمع درآمد مهر	۱۰۳/۸%	۷۸%	۸۳/۶%	۷۵/۸%
سهم (درصد)				

همانطور که ملاحظه می‌کنند ، سهامداران شرکت به عنوان سودسها ۷۵/۸ تا ۱۰۳/۸ سود رسده اند . یعنی در سال ۵۲ هر ۱۰۰ ریال سرمایه ۱۰/۳۸ ریال سودا شده و در سال ۵۵ برای هر ده ریال سرمایه حدود ۸/۰۰ ریال سود گرفته اند . اس ارقام نسوئی نشان میدهند که چگوسه صاحبان شرکت (سرمایه دارها) و خصوصاً مدیران (سهامداران عمده) حاصل دسترنج کارگران را می‌بلعند . مدیر شرکت (سهامدار عمده) علاوه بر حقوق ماهانه فریب ۴۰ هزار تومان از مرابای غیر نقدی سماندنا نومسب بسا رسده ، آبارسان ، مسافرت های مکرر خارج کشور ، ... برخوردار بوده است . و تازه در آخر سال برای هر ده ریال سرمایه خود ۱۰/۳۸ ریال سود چنگ آورده است . و اس بی شاهسبه آن " تقسم عادات " نیست که لنین آمو رگار طعمه کارگر حسن توضیح میدهد :

" اس نوع تقسم عادات ما بدقسم سکار ا رطرب سر است . سرنحی از گوس سکار را برمدارد خون جو اوست ، حسن دیگری را بر سدار دمون شاه حواسات است ، حسن سوم را بر میدارد خون از همه ر زوربر است و سرانجام حسن آخر را سرمدارد خون اگر کسی ناس حسن آخر دست برداری کند رسده نخواهد ماند " .

* - شرکتها معمولاً مقداری از سودسها را در شرکت سببگذاری می‌کنند که بعنوان سنوان سرمایه اسبند و اندوخته نامیده میشود . در سال عداس اندوخته اسب سها مداران سبهم می‌کشد ولی نحای برداخذ و چه سهام به صورت محاسنی به آنها تسلیم می‌کنند که خود سومی نفسم سوادس و اولانایدوچه داشت که افزاین سرمایه شرکتها عمدنا از محل سود سالانه ، ما تامب ، میشود .

